

احترام و تقدیر متبادل بین
صحابه و اهل بیت

تألیف:

مرکز پژوهش‌ها و مطالعات موسسه‌ی آل و اصحاب

این کتاب از سایت کتابخانه‌ی عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

مقدمه	۵
فصل اول: اهل بیت و صحابه چه کسانی اند؟	۹
اهل بیت چه کسانی هستند؟	۹
همسران پیامبر ﷺ از اهل بیت اند	۱۰
اهل بیت فضائل و مناقب بسیاری دارند	۱۴
بیان اعتقاد مسلمین در مورد اهل بیت و صحابه	۱۶
صحابه چه کسانی اند؟	۱۸
دلایل فضائل صحابه زیاد است	۱۸
دلایلی از سنت مطهر در مورد فضایل صحابه	۲۰
اعتقاد مسلمین در مورد صحابه پیامبر ﷺ	۲۱
کسانی از اهل بیت که افتخار همراهی و خویشاوندی با پیامبر ﷺ را داشته اند...	۲۳
فصل دوم: اهل بیت صحابه را می‌ستایند	۲۵
علی بن ابی طالب و تمجید از صحابه	۲۶
تمجید عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب از صحابه	۳۱
تمجید امام علی بن حسین از صحابه	۳۳

- ۳۶.....تمجید امام محمد باقر از صحابه علیهم السلام
- ۳۸.....تمجید امام زید بن علی بن حسین از صحابه علیهم السلام
- ۳۹.....تمجید امام عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیهم السلام
- ۴۱.....تمجید امام جعفر صادق و ستایش صحابه علیهم السلام
- ۴۴.....تمجید امام موسی کاظم
- ۴۵.....تمجید امام رضا
- ۴۶.....تمجید امام حسن بن محمد عسکری
- فصل سوم: صحابه اهل بیت پیامبر را می ستایند..... ۴۹**
- ۴۹.....ابوبکر صدیق رضی الله عنه خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام را می ستاید
- ۵۲.....امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه و اهل بیت
- ۵۷.....ستایش عثمان بن عفان رضی الله عنه از اهل بیت علیهم السلام
- ۵۸.....طلحه بن عبیدالله و تمجید از اهل بیت علیهم السلام
- ۵۸.....سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه و بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام
- ۵۹.....تمجید جابر بن عبدالله رضی الله عنه
- ۶۰.....ستایش و تمجید ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها از اهل بیت علیهم السلام
- ۶۲.....عبدالله بن مسعود رضی الله عنه و اهل بیت علیهم السلام
- ۶۲.....تمجید عبدالله بن عمر رضی الله عنهما
- ۶۳.....تمجید مسوره بن مخرمه رضی الله عنها
- ۶۴.....ابوهریره رضی الله عنه و ستایش از اهل بیت علیهم السلام

-
-
- ۶۶ تمجید زید بن ثابت رضی الله عنه
- ۶۶ انس و براء بن عازب و ابی سعید خدری رضی الله عنهم و تمجید از اهل بیت رضی الله عنهم
- ۶۷ عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه
- ۶۸ تمجید معاویه رضی الله عنه از علی و سائر اهل بیت رضی الله عنهم
- ۷۳ خاتمه

مقدمه

إن الحمد لله حمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فهو المهتد، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

ستایش خداوندی راست که در کتابش می فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^c
[التوبة: ١٠٠]

«الله، از پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند، راضی و خشنود است. و آنان نیز از الله خشنود اند و الله، برایشان باغ‌هایی آماده کرده که از فرودستش جویبارها روان است و جاودانه در آن می‌مانند. این است رستگاری بزرگ.»

آری، خداوند صحابه^{رضی الله عنهم} را ستوده و از آنان اعلان رضایت نموده است، آیا ستایش و اعلان رضایتی فراتر از آن هم هست؟
خداوند نه تنها آنان را ستوده بلکه پیروی نیکو از آنان را نشانه هدایت و رضامندی خود قرار داده است.

یکی از موارد تحریف تاریخ این است که عده‌ای به دروغ مدعی هستند که صحابه و اهل بیت علیهم السلام با یکدیگر دشمنی داشته اند، و حال آن که چنین نبوده و بلکه خداوند در مورد آنان می‌گوید:

﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ۲۹]

«در برابر کافران سرسختند و با یکدیگر مهربان».

و در سوره حدید خطاب به آنان می‌فرماید:

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۱۰]

«و شما را چه شده که در راه الله انفاق نمی‌کنید و حال آنکه میراث آسمان‌ها و زمین از آن الله است؟ آن دسته از شما که پیش از فتح (مکه) انفاق کردند و (در راه الله) جنگیدند، همسان دیگران نیستند؛ (بلکه اجر و پاداش) کسانی که پس از فتح، انفاق نمودند و جنگیدند، بزرگ‌تر است. و الله به هر یک (از این دو گروه) بهشت را وعده داده است. و الله به کردارتان آگاه است».

و خداوند هرگز خلاف وعده نمی‌کند، و آیا بعد از آن که خداوند می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید».

آیا بعد از این مسلمانی می‌تواند پروردگارش را تکذیب کند؟ و یا فرموده پیامبرش را تکذیب کند که می‌گوید: «بهترین افراد امت من کسانی اند که در قرن من زندگی می‌کنند...»^(۱).

آیا آل و اصحاب علیهم‌السلام از سابقین اولین نیستند، آیا آنان نیستند که در بهترین قرن می‌زیسته‌اند، مگر آنان مهاجرین و انصار نبودند، و آیا آنان قهرمانان فاتح نیستند، و همه شاخ و برگ یک گل دسته به شمار نمی‌آیند؟

سوگند به خدا که آنان با یکدیگر روابطی دوستانه داشتند و براساس احترام متقابل با یکدیگر رفتار می‌نمودند و با همدیگر وصلت می‌نمودند و در اعلا‌ی دین و یاری کردن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جهاد با باطل‌گرایان در کنار هم و در شادوش یکدیگر انجام وظیفه می‌نمودند، همه به این آگاه هستند، پس آل و اصحاب علیهم‌السلام همه از اهل فضل و برتری می‌باشند، از این رو هر عاقلی که به دینش علاقه‌مند است باید از اهانت به آنان پرهیزد و از بیزاری و ناسپاسی در حق آنان به شدت برحذر باشد. در کتابی که پیش روی دارید بخشی از نصوصی را که در آن اهل بیت صحابه را ستوده‌اند و نصوصی که در آن صحابه اهل بیت علیهم‌السلام را مورد تمجید و ستایش قرار داده‌اند، ارائه می‌کنیم، این احترام و ستایش متقابل از محبت این دو گروه نسبت به یکدیگر و گرامیداشت هریک دیگری را، نشأت گرفته است، چرا چنین نباشد؟ و حال آن که اصحاب همواره وصیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را

۱- بخاری [۳۶۵۰، ۳۶۵۱] کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل أصحاب النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

در مورد اهل بیتش به خاطر داشتند که روز غدیر خم^(۱) فرمود: «در رفتار با اهل بیتم خداوند را مد نظر داشته باشید» سه بار این جمله را تکرار کرد^(۲). همانطور که اهل بیت می‌دانستند که اصحاب این دین را یاری کرده‌اند و هجرت نموده‌اند و برای اعلا و سربلندی دین زن و فرزند خویش را ترک گفته‌اند.

خداوند محبت صحابه و اهل بیت علیهم السلام و پیروی از آنان را به همه ما عطا نماید، و ما را به آنان در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت جمع نماید. آمین.

۱- جایی است بین مکه و مدینه.

۲- مسلم ۲۴۰۸.

کسانی اند که بعد از ایشان صدقه بر آنان حرام است، گفت: و آنان چه کسانی اند؟ گفت: آنان آل علی و آل عقیل و آل جعر و آل عباس می باشند...»^(۱).

و از جمله دلایل این مطلب که اهل بیت بنی هاشم هستند، این است که عبدالمطلب بن ربیع بن حارث بن عبدالمطلب و فضل بن عباس رضی الله عنهما نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتند و از ایشان خواستند که آن‌ها را مسئول صدقه (زکات) قرار دهد تا مالی به آنان برسد و ازدواج نمایند، پیامبر صلی الله علیه و آله به آن‌ها گفت: «صدقه شایسته آل محمد نیست، و صدقه و زکات چرک اموال مردم است»^(۲).

و از این معلوم می شود که عموزاده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله امثال فرزندان علی و جعفر و عقیل و فرزندان عباس و فرزندان ابولهب و فرزندان حارث بن عبدالمطلب و دیگر کسانی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله که مسلمان شده‌اند اهل بیت هستند.

همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیت اند

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ ۗ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۳)

[الأحزاب: ۳۳]

۱- صحیح مسلم [۲۴۰۸] کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل علی ابن ابی طالب رضی الله عنه.

۲- صحیح مسلم [۱۰۷۲]. باب ترک استعمال آل النبی الصدقة.

«و در خانه‌هایتان قرار بگیرید و به شیوه‌ی دوران جاهلیت پیشین، اظهار زینت نکنید و نماز را برپا دارید و زکات دهید و از الله و پیامبرش اطاعت نمایید. ای خانواده‌ی پیامبر! به راستی الله می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و چنان‌که باید شما را پاکیزه سازد».

آیه به صراحت می‌گوید که همسران پیامبر از اهل بیت ایشان هستند، و این نشانه آن نیست دیگران از اهل بیت پیامبر نیستند، چون عموم لفظ اعتبار دارد نه سبب خاص آن.

عکرمه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که در مورد این آیه گفت: این آیه در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.

سپس عکرمه گفت: «هرکسی می‌خواهد من با او مباحله می‌کنم که این آیه در باره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است»^(۱).

و ابن قیم در کتاب جلاء الأفهام صفحه [۳۳۱ - ۳۳۳] این نظریه را به عنوان دلیل کسانی که می‌گویند همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در اهل بیت او داخل اند، ذکر کرده و می‌گوید: به خصوص همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در آل بیت ایشان داخل اند چون ارتباط آن با پیامبر داریم است و در زندگی و بعد از حیات پیامبر بر دیگران حرام اند. و در دنیا و آخرت همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند، پس این ارتباط و پیوستگی که آنان با پیامبر دارند به جای ارتباط نسبی قرار می‌گیرد، و پیامبر صلی الله علیه و آله تصریح کرده است که بر آنان درود فرستاده شود، از این رو قول صحیح - که امام

۱- سیر أعلام النبلاء ۲ / ۲۰۸. و محقق آنرا صحیح الاسناد گفته است.

احمد رحمه الله به آن تصریح نموده - این است که صدقه و زکات بر آنان حرام می‌باشد، و خداوند متعال ساحت والای پیامبر صلی الله علیه و آله را از آلوده شدن به چرک‌های اموال مردم مصون داشته است.

و تعجب است! چگونه همسران او شامل این گفته پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «بار خدایا! روزی آل محمد به اندازه قوت بگردان» نمی‌شوند! ^(۱) و فرموده او صلی الله علیه و آله در اضحیه «اللهم هذا عن محمد و آل محمد» ^(۲) «بار خدایا! این از جانب محمد و خاندان محمد»، و عائشه رضی الله عنها گفته است: «آل محمد از نان گندم سیر نشده‌اند» ^(۳) و می‌گوئیم: مراد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است، و در گفته‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله که «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ» ^(۴) شامل می‌شدند، اما در این جمله که فرمود: «صدقه برای محمد و آل محمد حلال نیست» ^(۵) شامل نمی‌شوند!

با این که زکات چرک اموال مردم است و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به صیانت و دور بودن از آن سزاوارترند.

اگر گفته شود: اگر استفاده از زکات بر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله حرام می‌بود بر کنیزان آنان نیز حرام می‌شد، چون بر موالی و برده‌های بنی هاشم مانند خودشان استفاده از زکات حرام بوده است، در روایت صحیح آمده که گوشتی از صدقه

۱- مسلم [۱۰۵۵] بروایت ابوهریره رضی الله عنه، کتاب زکات.

۲- ابوداود [۱۷۵] کتاب مناسک.

۳- لفظ نزدیک به این حدیث در بخاری [۵۴۱۶] کتاب الأطعمة، و در صحیح مسلم [۲۹۷۰]

کتاب الزهد آمده است.

۴- صحیح بخاری [۴۷۹۷] کتاب التفسیر.

۵- صحیح مسلم [۱۰۷۲].

به بریره دادند و او آن را خورد، و پیامبر صلی الله علیه و آله منع نکرد، با این که بریره کنیز عائشه رضی الله عنها بود.

گفته شده: این شبهه را کسانی مطرح می نمایند که می گویند: استفاده از صدقه برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله جایز است، پاسخ این شبهه این است که حرمت صدقه برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به طریق اصالت نیست و بلکه تابع تحریم آن بر پیامبر است، و گرنه صدقه قبل از مرتبط شدن آنان به پیامبر برای آنان حلال بوده، پس آنان در این تحریم فرع قرار گرفته اند و تحریم صدقه بر غلامان و موالی فرع تحریم آن برای اربابشان است، و از آن جا که صدقه اصالتاً برای بنی هاشم حرام است غلامهایشان به تبع آنان صدقه برایشان حرام است، و چون حرمت صدقه برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله اصالتاً نیست و با تبع می باشد، از این کنیزان و غلامهایشان تبع آنان نمی شدند، چون فرع فرع هستند.

گفته اند: خداوند می فرماید: ﴿ وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا

نُؤْتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿۳۱﴾ [الأحزاب: ۳۱]

«و هر کس از شما، از الله و پیامبرش فرمان ببرد و کار شایسته انجام دهد، پاداشش را دو بار به او می دهیم و برایش روزی نیکی آماده کرده ایم.»

و می فرماید: ﴿وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ

اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿۳۴﴾ [الأحزاب: ۳۴]

«و یاد کنید آنچه را که از آیات الله و حکمت، در خانه هایتان خوانده

می شود. بی گمان الله، آگاه و دارای لطف بی کران است.»

می گوید: پس همسران ایشان از اهل بیت قرار گرفتند چون در همه این آیات آنان مخاطب هستند، پس جایز نیست که آنان را در هیچ موردی خارج از اهل بیت قرار داد. پایان سخن ابن قیم رحمه الله. والله تعالی اعلم، و در آنچه گفتیم ان شاء الله کفایت است.

اهل بیت فضائل و مناقب بسیاری دارند

خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۳]

«ای خانواده‌ی پیامبر! به راستی الله می خواهد پلیدی را از شما دور کند و چنان که باید شما را پاکیزه سازد».

و مسلم از یزید بن حیان روایت می کند که گفت: من و حصین بن سبره و عمر بن مسلم نزد زید بن ارقم رضی الله عنه رفتیم، وقتی نشستیم، حصین به او گفت: ای زید خوبی و خیر فراوانی دیده‌ای: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده‌ای و سخن ایشان را شنیده‌ای و همراه ایشان به جهاد رفته‌ای و پشت سر ایشان نماز خوانده‌ای، به راستی ای زید خوبی‌های فراوانی دیده‌ای، ای زید از پیامبر صلی الله علیه و آله آنچه شنیده‌ای برای ما بگو، زید گفت: ای برادرزاده‌ام! سوگند به خدا سن من بالا رفته و پیر شده‌ام و بعضی از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را که به خاطر می سپردم از یاد برده‌ام، پس آنچه برایتان گفتم بپذیرید، و آنچه نگفتم مرا بدان مکلف نکنید، سپس گفت: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در محل آبی به نام خم که بین مکه و مدینه قرار دارد در میان ما به سخنرانی ایستاد، حمد و ستایش خدا را گفت و موعظه و پند داد، سپس گفت: اما بعد!

ای مردم من انسانی بیش نیستم شاید به زودی فرستاده پروردگارم بیاید و من اجابت کنم، و من در میان شما دو چیز گرانمایه می گذارم: اول کتاب خدا که سرشار از هدایت و نور است، پس به کتاب خدا تمسک بجوئید» و به تمسک بر کتاب خدا تشویق نمود و سپس گفت: «و اهل بیتم در مورد اهل بیتم خدا را مد نظر داشته باشید» سه بار تکرار کرد» آنگاه حصین به او گفت: اهل بیت او چه کسانی اند ای زید؟ آیا زنانش از اهل بیت او نیستند؟ گفت: همسرانش از اهل بیت ایشان هستند، ولی اهل بیت او کسانی اند که صدقه بر آنان حرام است، گفت و آنان چه کسانی اند؟ گفت: آنان آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس می باشند، گفت: آیا صدقه بر همه اینها حرام است؟ گفت: بله^(۱).

و بخاری از ابی حمید ساعدی رضی الله عنه روایت می کند که آنان گفتند: ای رسول خدا! چگونه بر شما درود بفرستم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»»^(۲).

«بار الها! بر محمد صلی الله علیه و آله و همسران و فرزندانش درود بفرست همچنان که درود فرستادی بر آل ابراهیم. و بر محمد صلی الله علیه و آله و همسران و فرزندانش برکت نازل گردان همچنان که بر آل ابراهیم نازل فرمودی. همانا تو ستوده و با عظمت هستی.»

۱- صحیح مسلم [۲۴۰۸] کتاب فضائل صحابه، باب فضائل علی رضی الله عنه.

۲- صحیح بخاری [۳۶۶۰] کتاب الدعوات.

پس در مهم‌ترین رکن اسلام - نماز - خداوند بر ما فرض نموده که بر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستیم. و از آن جمله حدیثی که امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر سبب و نسبی روز قیامت قطع می‌گردد جز سبب و نسب من»^(۱).

بیان اعتقاد مسلمین در مورد اهل بیت و صحابه علیهم السلام

تردیدی نیست که شجره هاشمی بهترین نسب است، و محبت مسلمین با بنی هاشم به دنبال محبت آنان با پیامبر صلی الله علیه و آله است، و این محبت فرض و واجبی است که مسلمین به خاطر انجام آن پاداش می‌بینند، مسلمین بنی هاشم را دوست دارند چون آنان اسلام آورده‌اند و در اسلام پیشگام شده و از خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آنان توصیه کرده است.

مردم در مورد بنی هاشم و خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله به دو دسته تقسیم شده‌اند: بعضی در محبت خویشاوندان پیامبر افراط کرده و بعضی کوتاهی ورزیده‌اند، اما راه درست و سخن درست این است که محبت به آنان واجب است، اما این محبت باید به دور از افراط و تفریط باشد، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از اهل بیت ایشان هستند، و گرچه اهل بیت دارای فضائل بزرگی بوده‌اند، اما کسانی وجود

۱- طبرانی المعجم الاوسط [۵۶۰۶] و آلبانی در السلسلة الصحيحة ۵ / ۵۸ (۲۰۳۶)

می‌گوید: این حدیث از عبدالله بن عباس و عمر بن خطاب و مسور بن مخرمه و عبدالله بن عمر رضی الله عنهم روایت شده است.

دارند که با توجه موارد دیگری از بعضی از اهل بیت افضل و برتر اند، چون فقط پیامبر صلی الله علیه و آله معصوم است.

محبت اهل بیت شرایطی دارد که مهم‌ترین آن عبارت است:

- آنان مسلمان باشند، و اگر مسلمان نبودند با آنان محبت و دوستی نمی‌شود، و اگر تنها خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله کافی بود ابولهب به سبب خویشاوندی ایشان نجات می‌یافت.

- پیرو رهنمود پیامبر صلی الله علیه و آله باشند؛ چنانکه در صحیح مسلم آمده است: هان آگاه باشید خاندان فلانی اولیا من نیستند ولی دوست من فقط الله و مؤمنانی صالح هستند»^(۱).

علمای اهل سنت در کتاب‌های اعتقادی به این واجب اشاره کرده اند، از آن جمله امام طحاوی ت (۳۲۱ هـ) در کتاب عقیده معروفش، و امام بریهاری ت (۳۲۹ هـ) و آجری ت (۳۶۰ هـ) در الشریعه و اسفرائین ت (۴۷۱ هـ)، و قحطانی ت (۳۷۸ هـ) در نونیه‌اش و ابن قدامه مقدسی ت (۶۲۰ هـ) در لمعة الاعتقاد، و شیخ الاسلام ابن تیمیه ت (۷۲۸ هـ) در الواسطیة و ابن کثیر دمشقی ت (۷۷۴ هـ) در تفسیرش و محمد بن وزیر یمانی ت (۸۴۰ هـ) در ایثار الحق علی الخلق، و صدیق حسن خان ت (۱۳۰۷ هـ) در کتاب الدین الخالص و

۱- مسلم [۲۱۵] کتاب الایمان.

عبدالرحمن بن ناصر السعدی ت (۱۳۷۶ هـ) در التنبیهات اللطیفه و غیره در کتاب‌هایشان این مطلب را بیان کرده اند^(۱).

صحابه چه کسانی اند؟

حافظ ابن حجر می‌گوید: «بهترین تعریف واژه صحابه این است که صحابی کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده و به ایشان ایمان آورده و بر اسلام وفات یافته است»^(۲).

پس بنابراین، کسانی از اهل بیت که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده اند و مسلمان شده‌اند آنان نیز صحابی هستند، به خاطر این بسیاری از کتاب‌ها صحابه را ذکر می‌کند بدون آن که اهل بیت را از آنان جدا نماید.

دلایل فضائل صحابه زیاد است

الله تعالی می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۗ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۚ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثُرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۱۱۰﴾

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به الله ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند، برایشان بهتر بود. برخی از ایشان ایمان دارند و بیشترشان، فاسق و گمراهند.»

۱- استجلاب ارتقاء الغرف با اندکی تصرف [۱۶۵ - ۱۷۸].

۲- الاصابه ص ۸.

اگر صحابه مشمول این آیه نباشند پس غیر از آنان چه کسی مشمول آیه خواهد بود؟

و می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ [البقرة: ۱۴۳]

«و این چنین شما را امتی برگزیده و میانه‌رو قرار دادیم.»

وسط یعنی برگزیدگان مردم، و صحابه و اهل بیت نخستین مخاطبان این آیه هستند و از همه امت به شامل شدن در مفهوم آیه اولی‌ترند.

و می فرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ [الفتح: ۱۸]

«به یقین الله از مؤمنان که زیر درخت با تو بیعت کردند، راضی شده است؛ او از آنچه در دل‌هایشان می‌گذشت، آگاه بود. پس آرامش را بر آنان نازل کرد و پیروزی نزدیکی به آنان پاداش داد.»

هرکسی که خداوند از او راضی و خوشنود باشد هرگز خداوند از او ناراضی نخواهد شد، چون خداوند غیب می‌داند و امکان ندارد که خلف وعده کند.

و می فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ

بِحَسَنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ [التوبة: ۱۰۰]

«الله، از پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان

پیروی نمودند، راضی است. و آنان نیز از الله خشنودند»

و می فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۶۴]

«ای پیامبر! الله برای تو و مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، کافی است.»

و می‌فرماید:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ

وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸]

«(و نیز بخشی از اموال فیء) از آن فقیران مهاجری است که از دیار و اموالشان بیرون رانده شده‌اند؛ فضل (و نعمت الله) و خشنودی او را می‌طلبند و الله و پیامبرش را یاری می‌کنند. ایشان، همان راستگویانند.»

خداوند خبر داده است که آنان صادق و راستگویند، پس وقتی خداوند آنان را به صدق وصف نموده این دلیلی است بر این که آنان منافق نیستند. و اگر فقط هجرت و جهاد و جانفشانی و فداکردن اموال و کشتن پدران و فرزندان به خاطر دین و صبر و بردباری در دین، و قوت ایمان و یقین، آن‌ها را در نظر بگیریم همین فضائل آنان را کافی است.

دلایلی از سنت مطهر در مورد فضایل صحابه

عبدالله بن مغفل روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «از خداوند در مورد صحابه من بترسید، از خداوند در باره‌ی صحابه من بترسید، بعد از من آنان را نشانه قرار ندهید، هرکس آنان را دوست بدارد از دوستی من آنان را دوست داشته است و هرکسی با آنان دشمنی نماید از دشمنی من با آنان دشمنی ورزیده

است، و هرکسی با آنان آزار رساند مرا آزار رسانده و هرکسی مرا آزار دهد خداوند را آزار داده و هرکسی خدا را آزار دهد به زودی او را خواهد گرفت»^(۱).

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به اصحاب و یارانم ناسزا نگوئید، به اصحابم ناسزا نگوئید، سوگند به کسی که جانم در دست اوست اگر فردی از شما به اندازه کوه احد طلا صدقه بدهد به اندازه مشت آنان و نصف مشت آنان نمی‌رسد»^(۲).

و این گفته پیامبر صلی الله علیه و آله به تواتر روایت است که فرمود: «بهترین مردم کسانی اند که در قرن من زندگی می‌کنند و سپس کسانی که بعد از آن‌ها می‌آیند...»^(۳).
از بهز بن حکیم از پدرش او از جدش روایت میکند که گفت: شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همانا که شما هفتادمین امت هستید که بوسیله شما تعداد امتها به اتمام می‌رسد. امتی که شما بهترین و گرامی‌ترین آن‌ها در نزد خداوند عز و جل هستید»^(۴).

اعتقاد مسلمین در مورد صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله

- ۱- ترمذی [۳۸۶۲]. باب من سب أصحاب النبی صلی الله علیه و آله.
- ۲- صحیح مسلم [۲۵۴۰] کتاب فضایل الصحابه.
- ۳- صحیح بخاری [۳۶۵۰] کتاب فضایل اصحاب النبی صلی الله علیه و آله و صحیح مسلم [۲۵۳۳] کتاب فضایل الصحابه.
- ۴- مسند امام احمد [۲۰۰۴۱] و شعیب الارناؤوط سند آن را حسن گفته است.

با توجه به دلایل قرآنی و نبوی و غیره که گذشت مسلمین معتقدند که صحابه بعد از پیامبران بهترین انسان‌ها هستند.

و معتقد که مسلمین بعد از وفات رسول اکرم ابو بکر را به عنوان خلیفه انتخاب کردند، و سپس ابوبکر بعد از خود عمر را به عنوان جانشین خویش انتخاب نمود و سپس شورایی که عمر تعیین کرده بود افراد شورا و سایر مسلمین عثمان را به عنوان خلیفه پذیرفتند، و بعد از او مسلمین با علی بن ابی طالب بیعت کردند که کسانی در جنگ بدر حضور داشتند مانند عمّار بن یاسر و سهل بن حنیف و سائر صحابه با او بیعت نمودند.

و معتقدند صحابه افضل و برترند، چون خداوند می‌فرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ

اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ [الفتح: ۱۸]

«به یقین الله از مؤمنان که زیر درخت با تو بیعت کردند، راضی شده است»

و می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ

بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ﴾ [التوبة: ۱۰۰]

«الله، از پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان

پیروی نمودند، راضی است. و آنان نیز از الله خشنودند و الله،»

و کسانی که خداوند از آنان اعلام رضایت نموده اینگونه نبوده اند که بعداً کاری کنند که موجب نارضایتی خداوند شود، و در مورد تابعین رضایت الهی به شرط آن است که به نیکی از صحابه پیروی کنند، پس کسانی که بعد از

صحابه می آیند و صحابه را مورد طعن و عیب‌جویی قرار می‌دهند بهره‌ای از رضایت الهی ندارند^(۱).

و وقتی از حسن بصری در مورد جنگ صحابه با یکدیگر پرسیدند چه زیبا گفت: «جنگی بوده که اصحاب محمد در آن حضور داشته اند و ما نبوده ایم و آنان دانسته و ما ندانسته ایم، در آنچه آنان اتفاق کرده اند ما از آنان پیروی نموده ایم و در آنچه اختلاف کرده اند توقف می‌نمائیم».

و سلف این نظریه را برگزیده اند که در مورد فتنه‌های صدر اسلام سخنی نگویند و گفته اند: خون‌هایی بوده که خداوند دست ما را به آن آلوده نکرده، پس ما زبان خود را نیز به آن آلوده نمی‌کنیم^(۲).

و صحابه بهترین الگو برای ما هستند: ﴿وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا

رَبِّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]

«در دل‌هایمان هیچ کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده؛ ای پروردگاران! بی‌گمان تو، بخشاینده‌ی مهرورزی».

کسانی از اهل بیت که افتخار همراهی و خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله را داشته‌اند

۱- اعتقاد أئمة الحديث اسماعیلی [۱/ ۱۷] و نگا: «لمعة الاعتقاد ابن قدامة» [۱/ ۱۷۱] و

شرح عقیده الطحاویة ابن ابی العز [۱/ ۴۸۵] و غیره.

۲- عون المعبود [۱۲ / ۲۷۴]

کسانی از اهل بیت که به افتخار همراهی و هم صحبت پیامبر نایل آمده اند و هم افتخار خویشاوندی با ایشان را داشته اند از مردان عبارتند از: عباس و حمزه فرزندان عبدالمطلب، جعفر و علی فرزندان ابوطالب، حسن و حسین فرزندان علی، عبدالله و محمد فرزندان جعفر، ابوسفیان نوفل و ربیع و عبیده فرزندان حارث بن عبدالمطلب، و بعضی از فرزندان عباس بن عبدالمطلب، و عقیل بن ابی طالب رضی الله عنهم اجمعین، و از زنان: دخترانش فاطمه و رقیه و أم کلثوم و زینب، و دختران دخترانش أم کلثوم و زینب دختران علی بن ابی طالب. و همسرانش خدیجه و سوده و عائشه و حفصه و زینب بنت خزیمه و ام سلمه هند بنت امیه و زینب بنت جحش و جویریة مصطلقی و ام حبیبه رمله بنت ابوسفیان و صفیه بنت حیی بن اخطب و میمونه بنت حارث و از عمه‌هایش صفیه و آروی و عاتکه، و از دختر عموهایش ام هانی دختر ابی طالب و دره بنت ابی لهب و غیره رضی الله عنهن^(۱).

۱- برای آگاهی بیشتر به کتاب: «معالی الرتب لمن جمع بین شرفی الصحبة والنسب، مساعد سالم العبد الجادر» و کتاب «الأسماء والمصاهرات استاد اسماعیلی» مراجعه کنید.

فصل دوم:

اهل بیت صحابه را می‌ستایند

همانا خداوند به دل‌های بندگان نگاه کرد پس دل محمد ﷺ از دل‌های همه مردم بهتر دید، از این رو آن را برگزید و ایشان را به عنوان رسول مبعوث کرد، سپس به دل‌های بندگان نگاه کرد دید که بعد از دل محمد دل‌های صحابه بهترین دل‌هاست از این رو آنان را وزیران پیامبرش قرار داد که برای دین خدا می‌جنگند^(۱).

خداوند از بالای هفت آسمان صحابه را تائید و تزکیه کرده است و می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰]

«الله، از پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند، راضی است. و آنان نیز از الله خشنودند و الله، برایشان باغ‌هایی آماده کرده که از فرودستش جویبارها روان است و جاودانه در آن می‌مانند. این است رستگاری بزرگ.»

۱- روایت معروفی است از ابن مسعود رضی الله عنه، مسند احمد ۳۶۰۰ و عجلونی در کشف الخفاء و آلبانی در شرح عقیده طحاویه آن را حسن دانسته است.

که در این آیه تصریح شده که خداوند از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکویی از آنان پیروی می‌کنند راضی است، و آنان را به رستگاری بزرگ و جاودانه‌ماندن در بهشت مژده داده است، پس چه زبانی بعد از این رضامندی خداوندی بر آنان لعنت می‌فرستد، یا به بدی از آنان یاد می‌کند؟! و آن کدام وجدان است که صحابه را مورد عیب‌جویی قرار می‌دهد و صفحات مسمومی را در طعنه‌زدن به آنان با دست خودش می‌نویسد، و حال آن که خداوند - که هرگز خلاف وعده نمی‌کند - وعده داده است که به زودی صحابه دنیا را به سوی بهشتی که رودها از زیر کاخ‌های آن روان است ترک خواهند کرد و برای همیشه در آن بهشت می‌مانند و رستگار هستند. و راست گفته‌اند که فضل و برتری اهل فضل را فقط کسانی می‌دانند که خود دارای فضل باشند، از این رو اهل بیت پیامبر علیهم السلام در شناخت جایگاه صحابه نزد خدا و پیامبرش از دیگران پیشگام بودند.

علی بن ابی طالب علیه السلام و تمجید از صحابه علیهم السلام

علی بن ابی طالب علیه السلام اصحاب رسول خدا را اینگونه توصیف می‌نماید: «اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را دیده‌ام هیچکسی از شما با آنان مشابهت ندارد، آنان صبحگاهان ژولیده‌مو و غبارآلود بودند، زیرا شب را با نماز و سجده به صبح رسانده بودند، و وقتی به یاد آخرت و معاد می‌افتادند گویا بر اخگر و آتش ایستاده‌اند، گویا در پیشانی ایشان زانوی شتر بود. از بس که سجده‌های طولانی می‌کردند، هرگاه یاد خدا می‌شد اشک از چشمان‌شان سرازیر می‌شد تا جایی که

گریبان‌شان خیس می‌شد و از ترس عذاب و امید به ثواب چون درخت در روز طوفانی، به خود می‌لرزیدند»^(۱).

و از علی رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خوشا به حال کسی که مرا دیده یا کسی را دیده که او مرا دیده یا کسی را دیده که او مرا دیده است»^(۲).

وقتی دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدن کسانی که ایشان را دیده‌اند و دیدن کسانی که افرادی را دیده‌اند که کسانی را دیده‌اند که پیامبر را دیده‌اند، چنین فضیلت بزرگی دارد، پس چگونه به خود جرأت می‌دهیم که در حق این نسل بزرگی که خدا و پیامبرش آنان را تزکیه کرده‌اند جسارت کنیم.

و علی رضی الله عنه در بیان حالت خود و حالت اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و قهرمانی آنان در برابر دشمن می‌گوید: «ما همراه پیامبر صلی الله علیه و آله پدران و فرزندان و برادران و عموهایمان را می‌کشتیم، و این کار به ما جز ایمان و تسلیم و ادامه‌دادن راه و بردباری در برابر تلخی‌های درد و جدیت در جهاد دشمن چیزی نمی‌افزود، هر فردی از ما وقتی با فردی از دشمن روبرو می‌شد مانند دو شتر نر بر یکدیگر یورش می‌بردند و هریک با تمام قدرت می‌کوشید طرف مقابل را به کام مرگ بفرستد، گاهی ما پیروز می‌شدیم و گاهی دشمن، و وقتی خداوند دید که صادقانه با دشمن می‌جنگیم دشمنان ما را شکست داد و ما را پیروز گردانید تا آن که تا این که اسلام مستقر و استوار گردید، سوگند به خدا! اگر کارهای که

۱- نهج البلاغه [۱۴۳].

۲- بحار الأنوار مجلسی [۲۲ / ۳۱۳] و نگا: امالی ابن‌الشیخ ص [۲۸۱-۲۸۲].

شما می‌کنید ما می‌کردیم دین پا نمی‌گرفت و سوگند به خدا خون می‌دوشید و پشیمان خواهید شد»^(۱).

و وقتی عمر رضی الله عنه با علی رضی الله عنه در مورد جنگ با رومیان مشوره کرد او گفت: اگر خودت به سوی این دشمن بروی و در رویارویی با آنان کشته شوی مسلمین پناهگاه و مرکزی نخواهند داشت، و بعد از تو مرجعی نخواهند داشت که به آن مراجعه کنند، پس فردی جنگجو را به سوی رومیان بفرست و افراد ماهر و دلسوز را همراه او روانه کن، اگر خداوند پیروزی آورد که خوب است، و اگر غیر از این شد تو پناه‌گاه و مرجع مسلمین خواهی بود»^(۲).

و همچنین خطاب به عمر رضی الله عنه می‌گوید: خود محور باش و عرب‌ها را پیرامون خود به حرکت دریاور، آنان را به معرکه جنگ بفرست و خودت باقی بمان، چون اگر تو از این سرزمین بیرون بروی عرب‌ها از اطراف و گوشه‌های این سرزمین علیه تو بلند خواهند شد، و چنان خواهی شد که آنچه پشت سر گذاشته‌ای برایت از آنچه روبه رویت هست مهم‌تر خواهد بود، اگر عجم‌ها فردا تو را ببینند خواهند گفت: این اساس و پایه عرب‌هاست، اگر آن را قطع کنی راحت می‌شود، و به خاطر این بیشتر به تو هجوم می‌آورند و به کشتن تو طمع می‌ورزند»^(۳).

۱- نهج البلاغه [۱۰۵].

۲- نهج البلاغه [۱۳۴].

۳- نهج البلاغه ص [۲۰۳] خطبه [۱۴۶].

و علی علیه السلام بعد از وفات عمر بن خطاب رضی الله عنه او را می‌ستاید و می‌گوید: «به راستی او چه کارهای خوبی کرد، کجی را راست نمود و بیماری را دوا کرد و سنت را برپا داشت و فتنه را برای بعد از خود گذاشت! او پاکیزه و با عیب اندک رفت، خیر را به دست آورد و از شرّ پیشی گرفت، طاعت الهی را به جا آورد و تقوای الهی را به گونه شایسته رعایت کرد، رحلت کرد و آنان را در راه‌های مختلف رها کرد که گم گشته در آن راهی نمی‌یابد و راه یافته به یقین و باور نمی‌رسد»^(۱).

ابن ابی الحدید^(۲) در توضیح این متن در شرح نهج البلاغه می‌گوید: (لله بلاء فلان) منظور عمر بن خطاب است، و نسخه‌ای با خط رضی ابوالحسن^(۳) دیدم که زیر کلمه (فلان) نوشته بود عمر، این را فخار بن معد موسوی اودی شاعر به من گفت^(۴).

۱- نهج البلاغه ص [۲۲۲]

۲- ابن ابی الحدید: نام او عز الدین عبد الحمید بن محمد بن حسین بن ابی الحدید المدائنی است. ادیب و شاعر است که بزرگترین شرح نهج البلاغه و نیز القوائد السبع العلویات از آن اوست. در سال ۵۸۶ هجری بدنیا آمد و در سال ۶۵۵ هجری وفات یافت. شیخ عباس قمی درباره زندگی او در کتاب الکنی و الالقاب ج ۱ ص ۱۹۲ نوشته و از او تمجید کرده است.

۳- رضی ابو الحسن: او محمد بن الحسین بن موسی بن ابراهیم بن موسی الکاظم ادیب و دانشمند است که در سال ۳۵۹ هجری بدنیا و در سال ۴۵۶ هجری از آن درگذشته است. شیخ عباس قمی درباره زندگی او در کتاب الکنی و الالقاب ج ۲ ص ۲۷۲ نوشته و ثابت کرده که جمع آوری نهج البلاغه دستاورد او است.

۴- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید [۴ / ۱۰۸]

و همچنین علی بن ابی طالب علیه السلام در جایی دیگر عمر رضی الله عنه را می ستاید و می گوید: «و فرمانروایی بر آنان فرمانروایی کرد، او همه چیز را راست و درست نمود تا آن که دین استوار گردید»^(۱).

ابن ابی الحدید می گوید: این فرمانروا عمر است^(۲).

امام احمد از محمد بن حاطب روایت می کند که گفت: از علی شنیدم که می گفت: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ» عثمان از آنان است^(۳).

و از محمد بن حنفیه روایت است: «به علی خبر رسید که عائشه قاتلان عثمان را لعن کرده است، آنگاه او دست هایش را بلند کرد و گفت: من هم قاتلان عثمان را همه جا لعنت می کنم. دو بار یا سه بار این جمله را تکرار کرد»^(۴).

و علی رضی الله عنه دخترش ام کلثوم را به ازدواج عمر بن خطاب رضی الله عنه درآورد، چنانکه در کتاب های شرح حال و تاریخ و انساب و سیرت و حدیث و فقه^(۵) ذکر شده است، و این بهترین دلیل روابط خوب و محکم علی و عمر است.

۱- نهج البلاغه [۴/ ۱۰۸]

۲- حواله پیشین [۲۰ / ۲۱۸].

۳- فضائل الصحابه [۷۷۱] و محقق اسناد آن را صحیح دانسته است.

۴- فضائل الصحابه [۷۳۲]

۵- این پیوند و ازدواج تمام روایات دروغین را رد می کند. روایاتی که می گویند عمر بن الخطاب فاطمه را آنقدر کتک زد تا وقتی جنین اش سقط شد. اگر فرض کنی که مردی بیاید و همسرت را کتک بزند و باعث شود فرزندت از بین برود آیا حاضر هستی آن را به دامادی خود قبول کنی یا اینکه فرزندت را به نام او بخوانی برای اطلاع یافتن از این واقعیت تاریخی به کتاب «ازدواج عمر بن الخطاب با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب حقیقت است نه بهتان» نوشته احمد ابراهیم مراجعه نمایید.

مالک اشتر نخعی از یاران نزدیک علی ابوبکر و عمر را می‌ستاید و می‌گوید: «اما بعد خداوند این امت را با پیامبرش محمد ﷺ گرامی داشت و آنان را متحد و بر مردم پیروز گردانید، بعد از وفات پیامبر گروهی صالح و شایسته زمام حکومت را به دست گرفتند که به کتاب و سنت پیامبر ﷺ عمل کردند، خداوند بهترین پادشاه را به آنان بدهد»^(۱).

و همچنین در خطبه‌ای دیگر می‌گوید: «ای مردم! خداوند پیامبرش محمد ﷺ را در میان شما به عنوان بشارت‌دهنده و ترساننده مبعوث کرد، و کتاب را برایشان نازل فرمود که در آن حلال و حرام و فرائض و سنن بیان شده‌اند، و سپس پیامبر ﷺ در حالی وفات یافت که وظیفه‌اش را انجام داده بود، پس از آن ابوبکر خلیفه شد و در راه پیامبر حرکت نمود و به سنت ایشان اقتدا کرد، و ابوبکر عمر را به عنوان جانشین خود انتخاب کرد، و او همان سنت و شیوه را پیش برد»^(۲).

تمجید عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب از صحابه

دانشمند امت و ترجمان قرآن عبدالله بن عباس رضی الله عنهما در مورد صحابه پیامبر ﷺ می‌گوید: خداوند یارانی را برای پیامبرش محمد ﷺ برگزید که جان و مال خویش را فدای ایشان ﷺ کردند، و خداوند در کتابش در توصیف یاران پیامبر می‌گوید:

۱- الفتح ابن اعثم ۱ / ۳۸۵.

۲- الفتح ابن اعثم ۱ / ۳۹۶.

﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطْبُهُ فَعَازَرَهُ فَأَسْتَعْلَظَ فَأَسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ ۖ يُعْجَبُ الزُّرَّاعُ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾﴾ [الفتح: ٢٩]

«با یکدیگر مهربان هستند. آنان را در حال رکوع و سجده می‌بینی؛ فضل و خشنودی الله را می‌جویند. نشانه (ی درست‌کاری) آنان از اثر سجده در چهره‌هایشان پیداست؛ این، وصف آنان در تورات است. و وصفشان در انجیل مانند زراعتی است که جوانه زده و تنومندش ساخته و ستبر و ضخیم شده و بر ساقه‌هایش ایستاده است و کشاورزان را شگفت‌زده می‌سازد تا به وسیله‌ی آنان کافران را به خشم آورد. الله به اینها که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، نوید آمرزش و پاداش بزرگی می‌دهد.»

نشانه‌های دین را برپا داشتند در راه خدا جهاد و تلاش نمودند تا آن که دین الهی استوار گردید و شرک به وسیله آنان خوار شد، و سران شرک و پایه‌های آن از بین رفت و کلمه خداوند برتر قرار گرفت و کلمه کافران سقوط کرد، پس درود و رحمت خدا بر آن نفس‌های پاک و ارواح طیبه باد، آنان در زندگی اولیای خدا بودند و بعد از مرگ زنده‌اند و خیرخواه بندگان، قبل از رسیدن به

آخرت به سوی آن کوچ کردند، و از دنیا رفته بودند در حالی که هنوز در آن زندگی می‌کردند^(۱).

این صفاتی که عبدالله بن عباس صحابه رضی الله عنه را به آن توصیف نموده، همه مناقب و فضائل نیکویی هستند که صحابه با آن یاد می‌شوند، و آنان همانطور که ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: به شرافت صحبت و همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله نایل آمدند و جان و مال‌شان را فدای پیامبر صلی الله علیه و آله کردند و نشانه‌های دین را برپا داشتند و خیرخواه امت بودند و در راه تحکیم پایه‌های اسلام تلاش نمودند تا این که اسلام روی زمین استوار گردید، و خداوند به وسیله آنان شرک و مشرکین را خوار گردانید و پایه‌های شرک را از بین برد، از این رو آنان پاک و ارواحی ظاهر بودند، و در این دنیا اولیای خدا بودند، خداوند از آنان خوشنود باد.

و در ستایش عثمان رضی الله عنه می‌گوید: «خداوند رحمت کند ابا عمرو را! او از بهترین یاوران و نیکان بود در سحر به عبادت بیدار بود، و وقتی از دوزخ یاد می‌شد خیلی گریه می‌کرد در انجام هر کار خوبی پیش قدم بود محبوب و باوفا بود لشکر «العسرة» را تأمین کرد، و او داماد پیامبر صلی الله علیه و آله بود^(۲).

وقتی زید بن ثابت رضی الله عنه وفات یافت، ابن عباس گفت: «سوگند به خدا با وفات او علم و دانش فراوانی به خاک سپرده شد»^(۳).

تمجید امام علی بن حسین از صحابه رضی الله عنهم

۱- مروج الذهب ومعادن الجواهر [۷۵ / ۳].

۲- مروج الذهب ومعادن الجواهر ۳ / ۶۴.

۳- فضائل الصحابه احمد بن حنبل ۱۸۷۳.

امام علی بن حسین (زین العابدین) از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را یاد می‌کرد و در نمازش برای آنان دعای مغفرت می‌نمود، چون آنان در نشر دعوت توحید و تبلیغ رسالت خدا به بندگش پیامبر را یاری کرده بودند، امام زین العابدین می‌گوید: (اصحاب محمد صلی الله علیه و آله همراهانی خوب برای پیامبر بودند که در یاری کردن ایشان امتحان خوبی پس دادند، آنان در پذیرفتن دعوت پیامبر از دیگران گوی سبقت‌دار بودند و در راه سربلندی و پیروزی دین همسران و فرزندان‌شان را رها کردند و برای تثبیت نبوت ایشان با پدران و فرزندان‌شان جنگیدند و با کسانی که با محبت آنان خوی گرفته بودند در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله رودرو قرار گرفتند، آنان دوستی پیامبر را داد و ستدی می‌شمردند که زیان را نمی‌شناسد، و وقتی دست به دستگیری قبیله انداختند قبیله آنان را طرد کرد و چون خواستند در سایه خویشاوندی‌های بمانند خویشاوندی آنان قطع شد، آنچه آنان از آن بریدند برای خدا و در راه خدا بود، بار خدایا از آنان راضی باش، و در برابر این که در راه تو ترک دیار کردند و زندگی مرفه را رها نموده و تنگدستی را پذیرفتند و در راه سربلندی دینت از توده و کثرت جدا شده و قلت را اختیار کردند، به آنان بهترین پاداش را بده، و خدایا به کسانی که به نیکی از آنان پیروی کرده اند پاداش بده، آنان که می‌گویند: بار خدایا ما را پیامرز و برادران ما را که قبل از ما بوده اند، آنان که راه صحابه و جهت آنان را در پیش گرفته و کوشیده اند با آنان همسو باشند و در بینش آنان تردیدی به خود راه نداده و در گام برداشتن در راه آنان و اقتدا به آنان شکی به دل‌شان نیامده

است، و اینگونه بر دین آنان هستند و در سیر آنان گام برمی‌دارند و صحابه را در آنچه به آنان رسانده اند متهم نمی‌کنند^(۱).

و از او روایت شده که وقتی بعضی به ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم اهانت کردند به آن‌ها گفت: به من بگوئید آیا شما از مهاجرین هستید که خداوند فرموده: ﴿الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸]

«مهاجران که از سرزمینشان و اموالشان در طلب فضل و خوشنودی خدا رانده شده اند و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند، اینان راستگویانند».

گفتند: نه، گفت پس آیا شما از این کسانی هستید که ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الحشر: ۹]

«و کسانی که پیش از آمدن مهاجران در دیار خود بوده اند و ایمان آورده اند، آنهایی را که به سویشان مهاجرت کرده اند دوست می‌دارند و از آنچه مهاجران را داده می‌شود در دل احساس حسد نمی‌کنند، و دیگران را بر خویش ترجیح می‌دهند هر چند خود نیازمند باشند و آنان که از بخل خویش در امان مانده باشند رستگارانند.»؟ گفتند: نه، گفت: گواهی می‌دهم که شما از کسانی نیستید

۱ - صحیفه سجادیه کامله/ از زین العابدین [ص ۱۳]

که خداوند در باره آنان می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا
 أَغْفِرْ لَنَا وَإِلَّا خَوَّانَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
 رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۰﴾ [الحشر: ۱۰]

«کسانی که از پس ایشان آمده‌اند، می‌گویند: ای پروردگار ما، ما و برادران ما را
 که پیش از ما ایمان آورده‌اند بیامرز و کینه‌کسانی را که ایمان آورده‌اند، در دل
 ما جای مده‌ای پروردگار ما، تو مشفق و مهربان هستی».
 از اینجا بیرون بروید حساب شما با خداوند

ابوحازم مدنی می‌گوید: «هیچ هاشمی را فقیه‌تر از علی بن حسین ندیده‌ام، از
 او پرسیدند: ابوبکر و عمر رضی الله عنهما چه جایگاهی نزد رسول خدا داشتند؟ با دستش
 به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرد و گفت: جایگاهی که اکنون دارند»^(۱).

تمجید امام محمد باقر از صحابه علیهم السلام

ابن سعد از بصام صیرفی روایت می‌کند که گفت: ابوجعفر را در مورد ابوبکر و
 عمر رضی الله عنهما پرسیدم؟ او گفت: «سوگند به خدا که آنان را دوست دارم و برایشان
 از خداوند طلب آمرزش می‌نمایم، و هیچکسی از اهل بیتم را نیافته‌ام مگر این
 که آنها را دوست می‌داشته است»^(۲).

۱- سیر أعلام النبلاء [۴/ ۳۹۴].

۲- الطبقات [۵/ ۳۲۱].

و می‌گفت: «بنی فاطمه بر این اجماع دارند که در مورد ابوبکر و عمر سخنی را بگویند که بهترین سخنی باشد»^(۱).

عروه بن عبدالله^(ع) او را در مورد تزئین شمشیر پرسید، گفت: اشکالی ندارد، ابوبکر صدیق شمشیر را با زیورات آراسته بود، گفت: تو می‌گویی صدیق؟ امام باقر از جا پرید و رو به قبله نمود و گفت: «بله صدیق، هرکسی نگوید صدیق خداوند هیچ سخنی از او را در دنیا و آخرت صادق و راست نگرداند»^(۲).

و همچنین از او روایت است که گفت: «شمشیرها کشیده نشده و صفاها در نمازی برابر نشدند و حمله‌ای انجام نگرفت و اذان آشکارا گفته نشد و خداوند ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ نازل نکرد مگر وقتی که اوس و خزرج مسلمان شدند»^(۳).

و جابر جعفی می‌گوید: محمد بن علی به من گفت: ای جابر! به من خبر رسیده که گروهی در عراق ادعا می‌کنند که ما را دوست دارند، و به ابوبکر و عمر توهین می‌کنند و به دروغ می‌گویند که من آنان را به این کار فرمان داده‌ام، به آنان خبر ده که من از آنها بیزارم، سوگند به کسی که جانم در دست اوست اگر برای ابوبکر و عمر طلب آمرزش نکنم و برای آنان رحمت خدا را نجویم

۱- سیر أعلام النبلاء [۴/ ۴۰۶].

۲- سیر أعلام النبلاء [ص ۴۰۸].

۳- بحار الأنوار [۲۲ / ۳۱۲].

شفاعت محمد ﷺ نصیب من نخواهد شد، و گفت: «هرکسی فضیلت ابوبکر و عمر را نداند از سنت خبری ندارد»^(۱).

تمجید امام زید بن علی بن حسین از صحابه

هاشم برید از امام زید روایت می‌کند که گفت: ابوبکر ﷺ امام شکرگذاران بود، سپس این را تلاوت نمود: ﴿وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۵] «و ما پاداش شکرگذاران را خواهیم داد». و سپس گفت: «برائت از ابوبکر برائت از علی است»^(۲).

و در مورد شیخین ابوبکر و عمر رضی الله عنهما می‌گفت: «از هیچکسی از اهل بیتم نشنیده‌ام مگر آن که از آنان به خوبی یاد می‌کرده است»^(۳).

و یحیی بن ابی بکر عامری در کتابش «الریاض المستطابة» می‌گوید که منصور بالله عبدالله بن حمزه - یکی از ائمه بزرگ زیدیه - در کتابش «جواب المسائل التهامية» دیدگاه امام زید را در مورد صحابه، چنین بیان کرده است که او رضی الله عنه به صورت اجمالی آنان را می‌ستوده و خصوصیت‌هایی که صحابه بر دیگران دارند را برشمرده است، سپس می‌گوید: پس آنان بهترین مردم در زمان پیامبر و بعد از ایشان بوده اند، خداوند از آنان راضی باد و به آنان پاداش نیکو عطا کند، سپس می‌گوید: این مذهب ماست و برای اظهار آن تحت هیچ فشار و

۱- البدایة والنهاية [۹ / ۲۱۱].

۲- سیر أعلام النبلاء [۵ / ۳۹۰].

۳- تاریخ الأمم والملوک طبری [۷ / ۱۸۰].

خشونتی قرار نگرفته ایم و چیزی دیگر نیست که تقیه کنیم و آن را پنهان نمائیم، و آنان که از ما جایگاه و قدرت کمتری دارند ناسزا می‌گویند و نفرین می‌کنند و طعنه می‌زنند، و ما از کار چنین کسانی اظهار برائت می‌کنیم، و پدران ما از علی علیه السلام همین را فرا گرفته اند... تا جایی که می‌گویید: در این جهت بعضی فکر می‌کنند ولای محض ناسزاگفتن به صحابه و بیزاری جستن از آنان است، و اینگونه بدون آن که بدانند از محمد صلی الله علیه و آله بیزاری می‌جویند، و این شعر را سرود:

وإن كنت لا أرمي وترمي كناني تصب جئحات النبل كسحي ومنكبي

تمجید امام عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام

خلفای راشدین و صحابه علیهم السلام نزد عبدالله بن حسن همانند اهل بیت جایگاه بزرگی داشتند. چنانکه حافظ ابن عساکر از ابی خالد احمر روایت می‌کند که گفت: عبدالله بن حسن را در مورد ابوبکر و عمر پرسیدم، گفت: «درود و رحمت خدا بر آنان باد و هرکس بر آنان درود نفرستد خداوند او را مشمول رحمت خویش نگرداند»^(۱)،^(۲).

۱- تاریخ دمشق [۲۹ / ۲۵۵ - ۲۵۶].

۲- در قرآن کریم سوره توبه آیه (۱۰۳) آمده که: «وصل علیهم إن صلاتک سکن لهم» یعنی برای شان دعا کن. و سخن رسول گرامی صلی الله علیه و آله که فرموده اند (اللهم صل علی آل ابی اوفی) یعنی «خدایا درود بفرست بر آل ابی اوفی». صحیح بخاری کتاب زکات باب نماز امام و دعای ایشان برای کسی که صدقه می‌دهد (۶۳). از جابر بن عبدالله هم روایت شده که زنی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: «برای همسرم دعا کن» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صلی الله علیک و زوجک» یعنی «درود خدا بر تو و همسرت». ابوداؤد در

و همچنین گفت: «به یاد آنان می‌افتم و برایشان دعا می‌کنم، و با دعا کردن برای آنان به خدا تقرب می‌جویم»^(۱).

و همچنین حفص بن عمر مولای عبدالله بن حسن می‌گوید: عبدالله بن حسن را دیدم که وضوء گرفت و بر موزه‌هایش مسح کرد، گفتم: مسح می‌کنی؟ گفت: بله عمر بن خطاب بر موزه‌هایش مسح کرده است و هرکسی بین خود و خدایش عمر را قرار دهد کار محکمی کرده است^(۲)، یعنی عمر در نقل شریعت مورد اعتماد است.

و همچنین در تاریخ دمشق آمده است که حفص بن قیس از عبدالله بن حسن در مورد مسح بر موزه‌ها پرسید، او گفت: مسح بکن، عمر بن خطاب مسح کرده است، گفت: من از شما می‌پرسم، شما مسح می‌کنی؟ گفت: برایت از عمر می‌گویم و تو رأی مرا می‌پرسی، عمر از من و از هزاران کس مانند من بهتر است، گفتم: ای با محمد مردم می‌گویند: شما تقیه می‌کنید و این حرف را می‌زنید، او در حالی که مابین منبر و قبر بودیم گفت: بار خدایا! در نهان و آشکار سخن من همین است. سپس گفت: هرکسی که می‌گوید: علی مورد ستم

کتاب سجود قرآن باب نماز درود بر غیر نبی صلی الله علیه وسلم با اسناد صحیح روایت کرده است.

و از این نصوص بر می‌آید که نماز معنایش دعا هست و این همان مقصود امام عبدالله بن

حسن رحمه الله بوده است

۱- تاریخ دمشق [۲۹ / ۲۵۵].

۲- تاریخ دمشق [۲۹ / ۲۵۵].

قرار گرفته، و پیامبر ﷺ به او اوامری نموده و او اجرا نکرده است، اهانت بزرگی به علی روا داشته که می‌گوید: پیامبر او را فرمانی داده و او اجراء نکرده است^(۱). و همچنین در تاریخ دمشق از محمد بن قاسم اسدی ابی ابراهیمی آمده که گفت: عبدالله بن حسن بن علی را دیدم که کشته‌شدن عثمان را یاد کرد و چنان گریست که ریش و لباسش تر شد^(۲).

تمجید امام جعفر صادق و ستایش صحابه ﷺ

او روزی در توصیف صحابه پیامبر ﷺ گفت: اصحاب پیامبر ﷺ دوازده هزار نفر بودند، هشت هزار از مدینه و دو هزار از مکه و دو هزار نفر کسانی بودند که بعد از فتح مکه مسلمان شده بودند، هیچکسی از آنان از فرقه قدریه و یا مرجئه نبود و هیچکدامشان حروری و معتزلی و اهل رأی نبود، شب و روز گریه می‌کردند و می‌گفتند: خدایا جان‌های ما را بگیر پیش از آن که نان خمیر بخوریم^(۳).

پس وقتی در صحابه ﷺ کسی نبوده که دارای انحراف عقیدتی مانند مرجئه و حروریه و معتزله باشد، چگونه در میان آنان منافق وجود داشته است؟! آنچه امام صادق در این روایت گفته است، درست همان تزکیه و تائیدی است که قرآن در مورد صحابه ارائه کرده و آنان را ستوده و به رضامندی

۱- تاریخ دمشق [۲۹ / ۲۵۶].

۲- تاریخ دمشق [۲۹ / ۲۵۶].

۳- الخصال ص [۶۸۳ حدیث ش ۱۵]

خداوند و بهشت مژده داده است، پس این‌ها کجا و روایت‌های ضعیفی که ادعا می‌کند صحابه همه مرتد شده‌اند به جز چند نفر انگشت شمار، کجا!

منصور بن حازم روزی از امام جعفر صادق در مورد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید و گفت: چرا وقتی مسئله‌ای را از شما می‌پرسم پاسخ آن را به من می‌گویید، اما وقتی کسی دیگر می‌آید و همان سوال را از شما می‌پرسد پاسخ دیگری به او می‌دهی؟ گفت: به بعضی کم می‌گوئیم و به بعضی زیاد. گفتم: در مورد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله مرا خبر ده که آیا بر پیامبر راست گفته‌اند یا برایشان دروغ بسته‌اند؟ گفت: آنان راست گفته‌اند، گفتم: پس چرا اختلاف کردند؟ گفت: فردی می‌آمد و از پیامبر چیزی می‌پرسید و ایشان پاسخ او را می‌داد، و سپس بعد از آن احادیث یکدیگر را منسوخ می‌کرد. ^(۱) ^(۲)

می‌بینیم که امام جعفر صادق گواهی می‌دهد که اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله صادق و راستگو بوده‌اند.

و امام صادق از جدش محمد صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که در حجة الوداع در مسجد خیف در منی برای مردم سخنرانی نمود و بعد از حمد و ستایش خداوند فرمود: شاداب و سرزنده نگاه دارد خداوند بنده‌ای را که سخنم را شنید و آن را حفظ

۱- اصول کافی [۱/ ۵۲].

۲- در زمان تشریح احکام یعنی در طول زندگی پیامبر احکام و اوامر بدنیال هم نازل می‌شدند و بعضی از احکام متاخر بعضی از احکام سابق را نسخ می‌کردند پس امکان دارد بعضی از اصحاب از احکامی قدیمی که حکم آن منسوخ شده باخبر باشند ولی از حکم جدیدی که بعد از آن نازل شده و حکم سابق را نسخ کرده باخبر نشده باشد برای همین بر اساس علم خودش روایت می‌کند.

کرد و سپس آن را به کسی رسانید که آن را نشنیده است، چه بسا که فردی حامل فقه باشد و فقیه نباشد، و چه بسا که فردی فقه را به سوی کسی ببرد که از او فقیه‌تر باشد، سه چیز است که قلب مسلمان به آن خیانت نمی‌ورزد: اخلاص عمل برای خداوند و خیرخواهی برای فرمانروایان مسلمین و همراه بودن با گروه‌شان، مسلمین با یکدیگر برابرند خون‌شان برابر است و پائین‌ترین آنان اگر کسی را پناه دهد، پناه دادنش معتبر است، و مسلمین در برابر دیگر همه ید واحدی هستند^(۱).

اعتماد پیامبر به صحابه^{علیهم‌السلام} در این که سخن ایشان را به دیگران برسانند دلیل واضحی بر راستگویی و پاکی ایشان است.

و امام صادق همواره توصیه پدرش امام علی^{علیه‌السلام} را به خاطر داشت که فرمود: شما را در مورد اصحاب پیامبرتان توصیه می‌کنم به آنان ناسزا نگوئید، اصحابی که بعد از پیامبر بدعتی ایجاد نکردند و بدعت‌گذاری را پناه ندادند، و پیامبر در مورد آنان سفارش کرده است^(۲).

و بسام صیرفی می‌گوید: جعفر را در مورد ابوبکر و عمر پرسیدم، گفت: سوگند به خدا که آنان را دوست دارم و برایشان از خداوند طلب آمرزش می‌کنم، و هیچکسی از اهل بیتم را نیافته‌ام مگر این که آنان را دوست می‌داشته است^(۳).

۱- الخصال ۱۴۹ - ۱۵۰ حدیث ش ۱۸۲.

۲- بحار الأنوار [۳۰۶ / ۲۲].

۳- سیر أعلام النبلاء [۴ / ۴۰۳].

و از جعفر بن محمد و او از پدرانش روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ثابت‌قدم‌ترین شما بر پل صراط کسی است که اهل بیت و اصحابم را بیشتر دوست داشته باشد^(۱).

بار خدایا! ما را از کسانی بگردان که صحابه و اهل بیت را خیلی دوست دارند.

تمجید امام موسی کاظم

امام موسی کاظم از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: من مایه امنیت اصحابم هستم و هرگاه از دنیا بروم آنچه به اصحابم وعده داده می‌شود آن را خواهند دید، و اصحاب من مایه امنیت امتم هستند و چون اصحاب من از دنیا بروند آنچه به امتم وعده داده شده نزدیک خواهد شد، و این دین همواره بر همه ادیان چیره خواهد بود تا وقتی که در میان شما کسی باشد که مرا دیده است^(۲).

و همچنین از پدرانش از رسول خدا روایت می‌کنند که فرمود: قرن‌ها چهارتا هستند، من در بهترین قرن می‌باشم و سپس بعد از آن قرن دوم بهتر است و پس از آن قرن سوم، و سپس در قرن چهارم مردان با مردان و زنان با زنان برخورد می‌نمایند و خداوند کتابش را از سینه مردم بیرون می‌برد و آنگاه

۱- بحار الأنوار [۲۷ / ۱۳۳].

۲- بحار الأنوار [۲۲ / ۳۰۹] و ن گ، نوادر الراوندی [ص ۲۳ و صحیح مسلم ۶۴۶۶].

باد سیاهی می‌فرستد، و هیچکسی پس از آن جز خداوند باقی نمی‌ماند^(۱). در این حدیث به صراحت وارد شده که بهترین زمان و قرن قرن صحابه است، پس به هیچ وجه جازز نیست به زمان آنها طعن یا تهمتی وارد شود.

تمجد امام رضا

موضع امام رضا در برابر صحابه با موضع پدران و نیاکانش تفاوتی ندارد، او می‌گوید: وقتی خداوند موسی بن عمران را مبعوث کرد و برگزید، و دریا را برای ایشان شکافت و بنی اسرائیل را نجات داد و تورات و الواح را به موسی داد، جایگاهش را نزد پروردگارش مشاهده کرد موسی گفت: ای پروردگارا! اگر آل محمد چنین هستند، آیا در میان اصحاب پیامبران کسانی هستند که از اصحاب و یاران من نزد شما گرامی‌تر باشد؟ خداوند متعال فرمود: ای موسی! آیا نمی‌دانی که فضیلت صحابه محمد ﷺ بر اصحاب دیگر پیامبران مانند فضیلت آل محمد بر آل پیامبران و فضیلت محمد ﷺ بر همه پیامبران است، آنگاه موسی گفت: پروردگارا! کاش آنان را می‌دیدم! خداوند به موسی وحی کرد که شما هرگز آنان را نخواهی دید، و این وقت ظهور آنان نیست، اما بعداً در بهشت آنها را خواهی دید که در فردوس برین همراه در میان نعمت‌های بهشت شادی خواهند کرد^(۲).

۱- بحار الأنوار [۲۲ / ۳۰۹] و حدیثی نزدیک به این در بخاری [۲۵۰۹] و مسلم [۲۵۳۳] روایت شده است.
 ۲- بحار الأنوار [۱۳ / ۳۴۰]، تأویل الآیات ص [۴۱۱].

و از این روایت امام چنین معلوم می‌شود که این فضیلت فقط مخصوص اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است و همه صحابه را شامل می‌شود، و اگر همه صحابه را شامل نمی‌شد، اصحاب پیامبر بر اصحاب و یاران دیگر انبیاء فضیلتی نداشتند.

تمجید امام حسن بن محمد عسکری

امام عسکری می‌گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی خداوند موسی بن عمران را فرستاد و او را برگزید و دریا را برای او شکافت و بنی اسرائیل را نجات و تورات و الواح را به موسی داد، خداوند جایگاهش را به او نشان داد، موسی گفت: پروردگارا! مرا چنان گرامی داشته‌ای که هیچکسی را قبل از من چنان گرامی نداشته‌ای. خداوند عزوجل فرمود: ای موسی! آیا نمی‌دانی که محمد نزد من از همه آفریده‌هایم و از همه ملائکه‌ام برتر است؟

موسی گفت: ای پروردگارا! اگر محمد نزد شما از همه پیامبران گرامی‌تر است، آیا در خاندان پیامبران خاندانی از خاندان من گرامی‌تر است؟ خداوند فرمود: ای موسی! آیا نمی‌دانی که فضیلت آل محمد بر خاندان همه پیامبران مانند فضیلت محمد بر همه پیامبران است؟

موسی گفت: پروردگارا! وقتی آل محمد چنین جایگاهی نزد شما دارند، آیا در میان اصحاب پیامبران کسانی هستند که از اصحاب من گرامی‌تر باشند؟

خداوند فرمود: ای موسی! آیا نمی‌دانی که فضیلت اصحاب محمد بر اصحاب همه پیامبران، مانند فضیلت آل محمد بر همه انبیاء و مانند فضیلت محمد بر همه رسولان است؟^(۱)

این اندکی از بسیار تمجید و ستایش اهل بیت از صحابه بود.

و اینگونه روابط بین صحابه و اهل بیت صمیمانه و دوستانه بوده است و اگر کسی اندکی به این مطالب توجه نماید و آن را باور کند برای از بین بردن و ذوب کردن کوه یخی کفایت می‌کند که در دل‌های بعضی از مسلمین درست شده که متأسفانه دشمنی با صحابه^{علیهم‌السلام} را راه دوستی اهل بیت می‌دانند، و اینگونه با رهنمود اهل بیت^{علیهم‌السلام} که هم اینک توضیح دادیم و از منابع اصلی‌اش آن را بیان کردیم مخالفت می‌ورزند. و هرگاه این کوه یخی ساخته شده ذوب شود امت برای وحدت آماده خواهد شد.

۱- تفسیر امام عسکری [ص ۳۱].

فصل سوم:

صحابه اهل بیت پیامبر را می‌ستایند

ستایش ابوبکر صدیق رضی الله عنه خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله بر اهل بیت علیهم السلام

بخاری در صحیح خود روایت می‌کند که ابوبکر رضی الله عنه به علی رضی الله عنه گفت: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست! رعایت خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله برایم مهم‌تر از رعایت خویشاوندی خودم است»^(۱).

و همچنین ابن عمر رضی الله عنهما از ابوبکر رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: در مورد اهل بیت پیامبر رعایت ایشان را بکنید^(۲).

و در مسند ابی یعلی از عقبه بن حارث روایت است که ابوبکر رضی الله عنه چند روزی بعد از وفات پیامبر نماز عصر را خواند و سپس بیرون رفت و شروع به قدم‌زدن نمود، آنگاه حسن رضی الله عنه را دید که همراه با بچه‌ها بازی می‌کند، او حسن را بر دوش خود گذاشت و گفت: به پیامبر شباهت دارد و به علی شباهت ندارد، و علی رضی الله عنه می‌خندید^(۳).

۱- صحیح بخاری [۳۷۱۲] باب مناقب خویشاوندی با رسول الله صلی الله علیه و آله و بحار الانوار [۳۰۱/۴۳].

۲- صحیح بخاری [۳۷۱۳] باب مناقب حسن و حسین رضی الله عنهما.

۳- مسند ابی یعلی ش ۳۸ و اصل حدیث در بخاری به شماره ۳۵۴۲ روایت شده و همچنین در کشف الغمّة فی معرفة الأئمة ۲ / ۱۶ روایت شده است.

و این که در حدیث آمده که «چند شب بعد از وفات پیامبر»، دلیلی است بر این که آنچه در بعضی از کتاب‌های تاریخ آمده که علی علیه السلام بیعت نکرد و تا چند ماه از جماعت جدا شد صحت ندارد، و شایسته مقام علی علیه السلام نیست که از برادران صحابه‌اش جدا شود، و یا جماعت مسلمین را متفرق نماید و همچنین به او نمی‌سزد که از حق شرعی خویش دست بکشد، چون در آن وقت صحابه به اتفاق با ابوبکر بیعت کردند حتی علی بن ابی طالب علیه السلام و زبیر بن عوام علیه السلام با او بیعت کردند، چنانکه بیهقی از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله وفات یافت و مردم در خانه سعد بن عباده گرد هم آمدند، ابوبکر و عمر نیز آنجا بودند. سخنران انصار بلند شد و گفت: آیا می‌دانید که ما انصار و یاوران رسول خدا هستیم پس همانطور انصار و یاوران خلیفه پیامبر هستیم. آنگاه عمر بن خطاب گفت: راست می‌گوئید و اگر غیر از این را می‌گفتید با شما بیعت نمی‌کردیم. آنگاه دست ابوبکر را گرفت و گفت: با این بیعت کنید و سپس عمر با او بیعت کرد و مهاجرین و انصار با او بیعت نمودند، پس از آن ابوبکر بر منبر رفت و به چهره‌های مردم نگاه کرد و زبیر را ندید، زبیر را فرا خواند و به او گفت: پسر عمه رسول خدا آیا می‌خواهی در میان مسلمین تفرقه ایجاد شود؟ زبیر گفت: علامتی بر شما نیست ای خلیفه رسول خدا! و بلند شد و با او بیعت کرد، سپس به چهره‌های مردم نگاه کرد و گفت: علی را ندید و علی را صدا زد، و گفت: پسر عموی رسول خدا و دامادش! می‌خواهی در میان مسلمین تفرقه ایجاد شود؟ علی گفت: ملامتی نیست ای خلیفه رسول خدا و با

او بیعت کرد. حافظ ابوعلی نیشابوری می‌گوید: از ابن خزیمه شنیدم که می‌گفت: مسلم بن حجاج نزد من آمد و مرا در باره این حدیث پرسید، من آن را در کاغذی برای او نوشتم و آن را برایش خواندم، او گفت: این حدیث یک شتر ارزش دارد، گفتم: برابر با یک شتر است خیر بلکه برابر با بدره^(۱) است، و این حدیث این حدیث را در مسند به طور مختصر و حاکم در مستدرک از طریق عفان بن مسلم از وهیب به صورت مطول روایت کرده است^(۲).

روایت مذکور با حدیثی که عائشه رضی الله عنها روایت کرده که علی رضی الله عنه تا شش ماه بیعت نکرد منافاتی ندارد، چون عائشه براساس آگاهی خود سخن گفته و ابوسعید خدری براساس آگاهی خود سخن گفته است و سخن کسی که می‌داند بر کسی که نمی‌داند و خبر ندارد حجت است:

و دارقطنی در فضائل صحابه و مناقب‌شان از عبدالله بن جعفر رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: رحمت خدا بر ابوبکر باد او فرمانروای ما بود، او بهترین فرمانروای ما بود هیچگاه پرورش‌دهنده‌ای^(۳) بهتر از او ندیده‌ایم، روزی در خانه نزد او نشسته بودیم که ناگهان عمر آمد، -رسم اجازه گرفتن سه بار بود- او یک بار اجازه گرفت و به او اجازه داده نشد، سپس بار دوم اجازه ورود خواست و

۱- بدره به نوعی شتر نفیس می‌گویند و یا به ده هزار درهم قدیم.

۲- البدایة والنهایة [۶ / ۳۰۱].

۳- بعد از شهادت جعفر رضی الله عنه ابوبکر رضی الله عنه با اسماء مادر عبدالله بن جعفر ازدواج کرد، و از او صاحب فرزندی به نام محمد شد، و پس از وفات ابوبکر علی با اسماء رضی الله عنها ازدواج کرد و از او صاحب فرزند گردید.

به او اجازه داده نشد و در بار سوم به او اجازه دادند، ابوبکر به او گفت: وارد شو، او به همراه تنی چند از صحابه وارد شد و به ابوبکر گفت: ای خلیفه رسول خدا! چرا ما را پشت درب نگاه داشتی؟ ما دو بار اجازه ورود خواستیم اجازه داده نشد و این بار سوم بود که اجازه خواستیم و به ما اجازه دادند. گفت: فرزندان جعفر مشغول خوردن غذا بودند، ترسیدم که شما وارد شوید و در غذایشان با آن شریک شوید.

و در اینجا می بینیم که ابوبکر رضی الله عنه خیلی مراقب فرزندان جعفر رضی الله عنه بوده و از آنان مواظبت می کرده است.

امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه و اهل بیت

تردید نیست که فاروق رضی الله عنه با اهل بیت روابط بسیار خوبی داشت، چنانکه عمر رضی الله عنه از اهل بیت تمجید می کرد و آنان نیز او را می ستودند و عمر با ام کلثوم دختر علی ازدواج کرد، و بسیاری از اهل بیت علیهم السلام اسم فرزندانشان را عمر می گذاشتند، و در بخاری روایت است که هرگاه قحط سالی می شد عمر از عباس بن عبدالمطلب می خواست برای باران دعا کند و گفت: بار خدایا! به دعای پیامبرت متوسل می شدیم و شما به ما باران می دادی و اینک به دعای عمومی پیامبر متوسل می شویم پس ما را باران بده ^(۱).

۱- این توسل در واقع توسل به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در قید حیاتش بوده است. و اما پس از مرگ ایشان توسل به عباس رضی الله عنه میشد زیرا ایشان از بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

و در طبقات ابن سعد آمده که عمر رضی الله عنه به عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه گفت: «سوگند به خدا! روزی که مسلمان شدی اسلام آوردنت برایم از اسلام آوردن خطاب پسندیده‌تر بود، چون پیامبر مسلمان شدن شما را از مسلمان شدن خطاب بیشتر دوست داشت»^(۱).

و در فضائل الصحابه امام احمد ش [۱۰۸۹] از عروه بن زبیر روایت است که گفت: «مردی در حضور عمر به علی توهین کرد، عمر به او گفت: صاحب این قبر را می‌شناسی او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب است و علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب است، پس علی را به بدی یاد مکن، اگر نسبت به علی کینه داشته باشی این را در قبرش آزار داده‌ای»^(۲).

و در الاستیعاب ابن عبدالبر از عمر رضی الله عنه روایت است که گفت: «آگاه‌ترین ما به قضاوت علی است»^(۳).

و در تاریخ دمشق ابن عساکر روایت شده که «عمر بن خطاب وقتی دیوان را تدوین کرد و عطاء را مقرر کرد برای حسن و حسین سهمیه‌ای به اندازه پدرشان که از اهل بدر بود مقرر کرد، چون نوه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، از این رو عمر برای هریک پنج هزار مقرر کرد»^(۴).

۱- الطبقات [۲۳/۴] ، البدایة والنهایة [۲۹۸/۲].

۲- محقق کتاب روایت را صحیح دانسته است.

۳- الاستیعاب [۱۸۷۱].

۴- تاریخ دمشق ابن عساکر [۱۷۹/۱۴].

و ابن سعد از جبیر بن حویرث بن تقید روایت کرده که عمر بن خطاب با مسلمین در باره تدوین دیوان مشوره کرد، علی به او گفت: هر سال مالی که نزد تو جمع می‌شود آن را تقسیم کن و از آن چیزی در دست خود نگاه ندار، و عثمان بن عفان گفت: به نظرم مال زیادی مردم را کفایت می‌کند حتی اگر شمرده نشوند تا کسی را که گرفته از کسی که نگرفته بدانی، ولید بن هشام بن مغیره به او گفت: «ای امیرالمؤمنین به شام رفته و پادشاهان آنجا را دیدم که دیوانی درست کرده اند و سربازانی تشکیل داده اند، پس دیوانی تدوین کن و لشکری درست نما، پس سخن او را پذیرفت و دیوان درست کرد و سرباز تشکیل داد، و عقیل بن ابی طالب و مخرمه بن نوفل و جبیر بن مطعم که از نسب دانان قریش بودند فرا خواند و گفت: اسم مردم را براساس جایگاهشان بنویسید، آنان نوشتند و از بنی هاشم شروع کردند، سپس اسامی ابوبکر و قومش را نوشتند و سپس عمر و قومش وقتی عمر به این نوشته نگاه کرد، گفت: سوگند به خدا دوست داشتم که همینطور می‌شد، اما از خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله شروع کنید تا عمر را در جایگاهی قرار دهید که خداوند او را قرار داده است.

و از محمد بن عمر روایت می‌کند که گفت: اسامه بن زید بن اسلم از پدرش از جدش روایت می‌کند که گفت: وقتی نوشته را به عمر تقدیم کردند او را دیدم، بنی تیم به دنبال بنی هاشم و بنی عدی به دنبال بنی تیم ثبت شده بودند، از عمر شنیدم که گفت: عمر را در جایگاهش قرار دهید، و از نزدیکترین خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله شروع کنید، آنگاه بنی عدی نزد عمر آمدند و گفتند: تو

خلیفه رسول خدا هستی یا خلیفه ابوبکر هستی و ابوبکر خلیفه پیامبر ﷺ است، پس اگر خود را در جایگاهی این قوم تو را قرار داده اند قرار می‌دادی بهتر بود، عمر گفت: بنی تیم می‌خواهید با سوارشدن بر پشت من نان بخورید و نیکی‌هایم را برایتان از بین ببرم نه سوگند به خدا! مگر آن که فرا خوانده شوید و طبق آنچه در دفتر ثبت شده اید براساس آن با شما رفتار کنم - یعنی حتی اگر آخرین نفر باشید - دو دوست دارم که راهی را رفته اند اگر با آنان مخالفت کنم با من مخالفت می‌شود، سوگند به خدا که ما فضیلت را در دنیا و آخرت به دست نیاورده‌ایم مگر به سبب محمد ﷺ پس او افتخار ماست و قومش شریف‌ترین مردم عرب می‌باشند^(۱).

و در کتاب سیر اعلام النبلاء ذهبی آمده است: «عمر ﷺ به فرزندان صحابه لباس داد و لباسی که مناسب حسن و حسین باشد نبود، به یمن فرستاد و برای آنان لباسی آوردند، آنگاه عمر گفت: اکنون خوشحال و راحت شدم»^(۲). ببینید عمر ﷺ حتی به لباس حسن و حسین علیهما السلام اهمیت می‌داد، و آنان نزد عمر مانند دیگران نبودند.

و ابن عساکر در تاریخ دمشق می‌گوید: «عمر ﷺ به حسین گفت: فرزندم، نزد ما بیا، حسین ﷺ می‌گوید: روزی آمدم او با معاویه تنها نشسته بودند و ابن عمر دم درب بود و به او اجازه ورود داده نشد من هم برگشتم، بعداً عمر مرا دید گفت: فرزندم! نزد ما نمی‌آیی؟ گفتم: آمدم و تو و معاویه تنها نشسته بودید و

۱- الطبقات الکبری [۳ / ۲۹۵ - ۲۹۶].

۲- سیر اعلام النبلاء [۳ / ۲۸۵] و تاریخ دمشق [۱۴ / ۱۸۰].

دیدم که به پسر ابی عمر برگشت من هم برگشتم. تو به اجازه ورود یافتن از ابی عمر سزاوارتری آنچه در سر ما روئیده از خدا و سپس شماسست. و دستش را بر سرش گذاشت»^(۱).

شما سن حسن علیه السلام را در زمان عمر رضی الله عنه در نظر بگیرید که چقدر کوچک بود، اما باز هم عمر رضی الله عنه به او علاقه شدیدی داشت و به او اهتمام می‌ورزید، آیا این دلیل اهمیت دادن فاروق به اهل بیت نیست؟

و بخاری از ابی عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: «عمر به من اجازه می‌داد که همراه او و بزرگان بدر بنشینم، یکی از آنان گفت: چرا این جوان را در جمع ما می‌آوری؟ گفت: این از کسانی است که شما می‌دانید»^(۲).

و ابن عبدالبر از عمر رضی الله عنه روایت می‌کند که او در باره ابی عباس رضی الله عنه می‌گفت: «عبدالله بن عباس چه ترجمان خوبی است برای قرآن» و وقتی ابی عباس می‌آمد عمر می‌گفت: «جوان بزرگسال و دارای زبان پرسشگر و دل عاقل آمد»^(۳).

و در مستدرک حاکم از علی بن حسین روایت است که عمر بن خطاب رضی الله عنه از علی رضی الله عنه دخترش ام کلثوم را خواستگاری کرد. و گفت: او را به نکاح من در بیاور. علی گفت: می‌خواهم او را به ازدواج برادر زاده ام عبدالله بن جعفر در بیاورم، آنگاه عمر گفت: سوگند به آنگونه که من سعادت او را می‌خواهم

۱- تاریخ دمشق [۱۴ / ۱۷۹].

۲- بخاری [۴۲۹۴].

۳- الاستیعاب [۱۴۴۷].

کسی نمی‌خواهد او را به ازدواج من دریاور، سپس عمر نزد مهاجرین آمد و گفت: آیا به من تبریک نمی‌گوئید؟

گفتند: به چه کسی ای امیرالمؤمنین؟ گفت: به ام کلثوم دختر علی و فاطمه دختر پیامبر ﷺ، من از پیامبر شنیدم که می‌گفت: هر نسب و ارتباطی روز قیامت قطع می‌گردد جز نسب و سبب من^(۱).

و در سیر أعلام النبلاء از محمد بن علی (ابن الحنفیه) روایت است که گفت: «عمر وارد شد و من نزد خواهرم ام کلثوم بودم، او مرا به آغوش گرفت و گفت: به او حلوا بده»^(۲).

اگر عمر ﷺ علی ﷺ و فرزندان او را دوست نمی‌داشت محمد بن علی ﷺ را به آغوش نمی‌گرفت و از ام کلثوم نمی‌خواست که به او حلوا و شیرینی بدهد.

ستایش عثمان بن عفان ﷺ از اهل بیت ﷺ

خلیفه راشد عثمان ﷺ نیز مانند دیگر برادران صحابه‌اش قدر و جایگاه اهل بیت را می‌دانست و آنان را می‌ستود، چنانکه ابن کثیر در البدایه والنهایه می‌گوید: (... و گفته اند عمر بن خطاب و عثمان هرگاه از کنار عباس در حال سواری عبور می‌کردند به احترام عباس پیاده می‌شدند)^(۳).

و ابن کثیر رحمته می‌گوید:

۱- حاکم (۴۶۸۴) ۳ / ۱۵۳ و آلبانی السلسلة الصحيحة [۲۰۳۶].

۲- سیر أعلام النبلاء [۱۱۵ / ۴].

۳- البدایة والنهایة [۱۶۲ / ۷].

«عثمان بن عفان رضی الله عنه حسن و حسین علیهم السلام را گرامی و دوست می‌داشت، روزی که عثمان در خانه‌اش محاصره بود حسن شمشیر به دست از عثمان دفاع می‌کرد، عثمان از بیم این که مبادا کشته شود به حسن قسم داد که به خانه‌اش برگردد، تا دل علی خوش شود».

طلحه بن عبیدالله و تمجید از اهل بیت علیهم السلام

طلحه ابن عباس را که یکی از افراد برجسته اهل بیت بود می‌ستاید، و در طبقات ابن سعد آمده که طلحه می‌گفت: به ابن عباس فهم و درک و عمل داده شده است ^(۱).

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه و بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام

سعد رضی الله عنه علی رضی الله عنه را می‌ستاید، مسلم از سعد روایت می‌کند که گفت: «در غزوه تبوک پیامبر صلی الله علیه و آله علی را به عنوان جانشین خود در مدینه گذاشت، علی گفت: ای رسول خدا آیا مرا با زنان و بچه‌ها می‌گذاری؟ پیامبر فرمود: آیا راضی نمی‌شوی که برای من به منزله هارون برای موسی باشی؟ اما بعد از من پیامبری نیست ^(۲).»
و سعد ابن عباس رضی الله عنه را می‌ستاید، چنانکه در الطبقات ابن سعد از سعد بن ابی وقاص روایت است که گفت: هیچکسی را فهمیده‌تر و داناتر و عالم‌تر و بردبارتر از ابن عباس ندیده‌ام، عمر را دیدم که برای مسائل مشکل او را فرا

۱- الطبقات [۲/ ۳۷۰].

۲- مسلم [۲۴۰۴].

می‌خواند و سپس می‌گفت: مشکلی پیش آمده، و سپس از آنچه او می‌گفت: فراتر نمی‌رفت، و حال آن که مهاجرین و انصار اهل بدر اطراف عمر بودند^(۱).

تمجید جابر بن عبدالله رضی الله عنه

ابن ابی شیبه از عطیه بن سعد روایت می‌کند که گفت: نزد جابر بن عبدالله رفتیم در حالی که ابروهایش رو چشم‌هایش افتاده بود، گفتم: از علی بن ابی طالب برای ما بگو. او با دست‌هایش ابروهایش را بلند کرد و گفت: او از بهترین انسان‌ها بود^(۲).

و از تمجید جابر بر حسین رضی الله عنه آنچه روایت شده که روزی حسین وارد مسجد شد، پس جابر گفت: «هر کس دوست دارد به سرور جوانان بهشت بنگرد پس به این نگاه کند». و این روایت را از رسول الله نقل کرد^(۳).

و در الطبقات ابن سعد رضی الله عنه آمده که وقتی ابن عباس رضی الله عنه وفات یافت جابر بن عبدالله رضی الله عنه گفت: امروز عالم‌ترین مردم و بردبارترین مردم وفات یافته است، و با دست‌دادن آن امت دچار مصیبت جبران ناپذیری گردیده است^(۴).

و مسلم از جعفر بن محمد بن علی بن حسین از پدرش روایت می‌کند که گفت: نزد جابر بن عبدالله رفتیم از یکایک افراد پرسید تا به من رسید، گفتم: من محمد بن علی بن حسین هستم، او دستش را به سوی سرم کج کرد و پیراهنم

۱- البدایة والنهاية ۸ / ۳۰۳، الطبقات [۲/ ۳۶۹].

۲- مصنف ابن ابی شیبه [۳۲۱۲۰].

۳- سیر اعلام النبلاء ۳ / ۲۸۲، ابویعلی آن را روایت کرده است ش (۱۸۷۴).

۴- الطبقات ۲ / ۳۷۲.

را باز کرد و سپس دستش را روی سینه‌ام گذاشت و من در آن روز جوان بودم، و گفت: خوش آمده‌ای ای برادرزاده‌ام هرچه می‌خواهی بپرس...^(۱).

ستایش و تمجید ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها از اهل بیت علیهم السلام

با این که عائشه رضی الله عنها از آن جا که همسر پیامبر است از اهل بیت می‌باشد، اما ترجیح دادیم که پاره‌ای از آنچه در ستایش از بقیه اهل بیت گفته را ذکر کنیم، تا روابط صمیمانه و محبت بزرگی که با یکدیگر داشتند روشن گردد.

در تاریخ طبری روایت است که عائشه رضی الله عنها گفت: سوگند به خدا که در گذشته بین من و علی چیزی نبوده مگر آنچه بین زن و فامیل‌های شوهرش هست. و با این که بین ما ملامت‌هایی وجود داشت ولی علی از دیدگاه من از برگزیدگان است. و علی گفت: ای مردم! سوگند به خدا او راست گفته بین من و او چیزی جز این نبوده است، او همسر پیامبرتان صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت است^(۲).

و در الاستیعاب^(۳) ابن عبدالبر اندلسی آمده است که عائشه رضی الله عنها گفت: چه کسی شما را به روزه گرفتن روز عاشورا فتوا داده است؟ گفتند: علی. گفت: او به سنت آگاه‌ترین مردم است.

۱- مسلم ۱۲۱۸.

۲- تاریخ طبری [۴/۵۴۴].

۳- الاستیعاب [۱۸۷۱].

و ابوداود از أم المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایت می‌کند که گفت: هیچکسی را در هیئت و زیبایی و رفتار و در نشستن و بلندشدن از فاطمه به پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را شبیه‌تر ندیده‌ام^(۱).

و در مستدرک حاکم روایت است که عائشه رضی الله عنها گفت: هیچکسی را ندیدم که از فاطمه لهجه‌اش صادق‌تر باشد جز پدرش^(۲).

و بحار الأنوار روایت می‌کند که وقتی به عائشه خبر رسید که خوارج علی رضی الله عنه را کشته اند، عائشه گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌گفت: بار خدایا! آنان بدترین امت من هستند که بهترین افراد امت من آنان را می‌کشند، و بین من و علی چیزی جز آنچه بین زن و فامیل‌های شوهرش هست نبود^(۳).

و وقتی علی رضی الله عنه عمر بن ود را به قتل رسانید ابوبکر و عمر رضی الله عنهما بلند شدند و سر ایشان را بوسیدند^(۴).

و همچنین عائشه به فاطمه گفت: آیا تو را مژده ندهم، من از رسول خدا شنیده‌ام که می‌گفت: سرور زنان بهشت چهارتا هستند، مریم دختر عمران، و فاطمه دختر رسول خدا، و خدیجه بنت خویلد، و آسیه زن فرعون^(۵).

اگر عائشه و فاطمه رضی الله عنهما کوچکترین اختلافی می‌داشتند عائشه به او چنین مژده‌ای نمی‌داد.

۱- ابوداود [۵۲۱۷].

۲- مستدرک حاکم [۳ / ۱۷۵ / ش ۴۷۵۶].

۳- بحار الأنوار [۳۳ / ۲۳۲]، کشف الغمه [۱ / ۱۵۸].

۴- الارشاد المفید ۵۵.

۵- مستدرک حاکم [۴۸۵۳].

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه و اهل بیت علیهم السلام

از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: «آگاه‌ترین فرد مدینه به قضاوت علی بن ابی طالب است»^(۱).

و همچنین در آن آمده که گفت: «بهترین مفسر و ترجمان قرآن ابن عباس است، اگر ما را درمی‌یافت هیچکسی از ما با او زندگی نمی‌کرد»^(۲).

تمجید عبدالله بن عمر رضی الله عنهما

ابن عمر رضی الله عنهما در نبود علی رضی الله عنه وقتی کسی به علی طعنه می‌زد از علی رضی الله عنه دفاع می‌کرد، چنانکه بخاری روایت می‌کند که مردی نزد ابن عمر آمد و از او در باره عثمان پرسید، ابن عمر از خوبی‌های عثمان گفت، و گفت: شاید از او خوشتر نمی‌آید. گفت: بله، گفت: خداوند تو را به بدی گرفتار نماید. سپس آن مرد او را از علی پرسید، ابن عمر خوبی‌های علی را ذکر کرد، مرد گفت: او خانه‌اش در وسط خانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله است، سپس ابن عمر گفت: شاید این تو را ناراحت می‌کند؟ گفت: بله، ابن عمر گفت: خداوند بدی را برایت بیاورد...^(۳).

۱- الاستیعاب [۱۸۷۱]

۲- فتح الباری [۱۰۰/۷]

۳- صحیح بخاری [۳۷۰۴] باب فضایل علی بن ابی طالب.

و در بخاری از ابن ابی نعم روایت است که گفت: نزد عبدالله بن عمر بودم مردی او را در مورد خون پشه پرسید، ابن عمر به او گفت: از کجا هستی؟ گفت: از عراق، گفت: این را نگاه کنید، مرا در باره خون پشه می‌پرسد و حال آن که پسر رسول خدا را کشته اند. و من از پیامبر خدا شنیدم که می‌گفت: آن دو ریحانه‌های من از دنیا هستند^(۱).

و عبدالله بن عمر رابطه‌ی صمیمانه با عبدالله بن جعفر بن ابی طالب رضی الله عنهما داشت، چنانکه در تاریخ ابن عساکر آمده است: «عبدالله بن عمر نزد عبدالله بن جعفر رضی الله عنهما می‌آمد، مردم به او گفتند: شما زیاد نزد عبدالله بن جعفر می‌آیی، ابن عمر گفت: شما اگر پدر او را می‌دیدید این را دوست می‌داشتید، پدرش از سر تا پا هفتاد ضربه شمشیر و نیزه خورده بود»^(۲).

و در بخاری از شعبی روایت است که گفت: ابن عمر رضی الله عنهما هرگاه به ابن جعفر سلام می‌کرد می‌گفت: «سلام ای پسر ذوالجناحین (کسی که دو بال دارد)»^(۳).

تمجید مسوره بن مخرمه رضی الله عنه

امام احمد روایت می‌کند: «حسن بن حسن^(۴) به مسور نامه‌ی نوشت و از دخترش خواستگاری کرد، او گفت: شب نزد من بیا، شب وقتی حسن آمد

۱- صحیح بخاری ۵۹۹۴. کتاب ادب.

۲- تاریخ دمشق ۱۷۹ / ۲۹.

۳- صحیح بخاری ۳۷۰۹. باب مناقب جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه.

۴- او حسن بن حسن بن علی ابن ابی طالب رضی الله عنه مشهور به حسن مثنی بود.

مسور بعد از حمد خدا گفت: هیچ سبب و نسب و وصلتی را از نسب و وصلت شما بیشتر دوست ندارم، اما رسول خدا فرمود: فاطمه پاره‌ی تن من است آنچه او را شاد کند مرا شاد می‌کند و آنچه او را ناراحت کند مرا ناراحت می‌کند، و روز قیامت اسباب قطع می‌گردد جز سبب و نسب من، و زن تو دختر فاطمه^(۱) است، اگر دخترم را به ازدواج شما دریاورم این عمل او را ناراحت می‌کند، و اینگونه با عذرخواهی از او جدا شد^(۲).

نگاه کنید چقدر این صحابی بزرگوار فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را گرمی می‌دارد که حتی بعد از مرگش به او احترام می‌گذارد و احساسات او را در باره نوه‌اش رعایت می‌کند.

و وصلت با یکی از سران بنی هاشم را از دست می‌دهد.

ابوهریره رضی الله عنه و ستایش از اهل بیت علیهم السلام

ترمذی و حاکم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده اند که گفت: «بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله هیچکسی بهتر از جعفر بن ابی طالب نعال پوشیده و بهتر از ایشان سوار بر اسب یا شتر نشده است» منظور ایشان همان است که در صحیح بخاری آمده است: «بهترین کس برای فقیران و تنگدستان جعفر بن ابی طالب است»^(۳).

۱- همسرش فاطمه بنت حسین رضی الله عنه بود.

۲- فضائل الصحابه [۱۳۴۷] و مستدرک حاکم [۴۷۴۷].

۳- بخاری [۳۷۰۸].

و در مسند ابی یعلی از سعید مقبری روایت است که گفت: با ابوهریره رضی الله عنه بودیم که حسن بن علی رضی الله عنه آمد او سلام کرد و ما جواب سلام را گفتیم، ابوهریره متوجه نشد و رفت، گفتیم: ای ابوهریره این حسن بن علی است که به ما سلام کرد. ابوهریره به دنبال حسن رفت و خود را به او رسانید و گفت: وعلیک السلام یا سیدی. از پیامبر شنیدم که می‌گفت: «او سید است»^(۱).

و حاکم از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که او با حسن بن علی رضی الله عنه ملاقات کرد و گفت: پیامبر را دیدم که شکمت را بوسید، همان جا را که پیامبر صلی الله علیه و آله بوسیده بیاور تا ببوسم، آنگاه حسن پیراهنش را دور کرد و ابوهریره بر شکم او بوسه زد^(۲).

و در سیر أعلام النبلاء ذهبی از ابن اسحاق روایت است که روزی که حسن رضی الله عنه وفات یافت ابوهریره گریه می‌کرد و با صدای بلند می‌گفت: ای مردم! امروز محبوب رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات یافت^(۳).

و در سیر أعلام النبلاء از ابی مهزم روایت است: «در جنازه‌ای بودیم ابوهریره آمد و با لباسش خاک‌های پای حسین را دور می‌کرد»، با توجه به تفاوت سنی ابوهریره رضی الله عنه و حسین رضی الله عنه می‌بینیم که اگر محبت و بزرگداشت و شناخت حق حسین رضی الله عنه نمی‌بود ابوهریره چنین نمی‌کرد^(۴).

۱- المسند ابی یعلی [۶۵۶۱].

۲- مستدرک حاکم ۴۷۸۵ و مسند احمد ۹۳۴۲. و ارنو ووط اسناد آن را صحیح گفته است.

۳- سیر أعلام النبلاء [۲۷۷/۳].

۴- سیر أعلام النبلاء [۲۸۷/۳].

تمجید زید بن ثابت رضی الله عنه

زید بن ثابت رضی الله عنه چنان ابن عباس رضی الله عنهما را گرامی می‌داشت که اجازه نداد او رکابش را با دست خود نگاه دارد. از ابن عباس روایت است که او رکاب زید بن ثابت را گرفت، زید گفت: کنار باش ای پسر عموی رسول خدا. ابن عباس گفت: ما با بزرگان و علمای خود اینگونه رفتار می‌کردیم^(۱).

انس و براء بن عازب و ابی سعید خدری رضی الله عنهما و تمجید از اهل بیت علیهم السلام

براء بن عازب و ابوسعید خدری و انس بن مالک رضی الله عنهم با روایت احادیثی در صفات و فضائل اهل بیت محبت خود با آنان را ابراز داشته اند.

انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: «هیچکسی از حسن بن علی رضی الله عنه به پیامبر صلی الله علیه و آله شبیه‌تر نبود»^(۲).

براء بن عازب رضی الله عنه

ترمذی از براء بن عازب روایت می‌کند که گفت: رسول خدا حسن و حسین را دید فرمود: بار خدایا! من آن دو را دوست دارم تو آنان را دوست مدار»^(۳).

ابوسعید خدری رضی الله عنه

امام احمد از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند»^(۱).

۱- مستدرک حاکم ۵۷۸۵ [۴۷۸/۳].

۲- صحیح بخاری ۳۵۴۲ فضایل صحابه، باب مناقب حسن و حسین رضی الله عنهما.

۳- سنن ترمذی ۳۷۸۲. کتاب مناقب حسن و حسین رضی الله عنهما.

عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما

عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما علی بن حسین بن علی رضی الله عنهما را می‌ستاید، چنان از رجاء بن ربیع روایت است که گفت: در مسجد رسول خدا بودم که حسین بن علی از آنجا گذشت او سلام کرد و مردم به او سلام گفتند، و عبدالله بن عمرو سکوت اختیار کرد، پس از آن که مردم ساکت شدند ابن عمرو صدایش را بلند کرد و گفت: *وعلیک السلام ورحمة الله وبرکاته*. سپس رو به مردم کرد و گفت: آیا شما را خبر ندهم که اهل آسمان از اهل زمین چه کسی را بیشتر دوست دارند؟ گفتند: بله، گفت: این مرد که پشت به ما نموده و می‌رود، سوگند به خدا از روزهای جنگ صفین نه با او حرفی زده‌ام و نه او با من سخنی گفته است، سوگند به خدا اگر از من راضی شود از آن که به اندازه کوه احد طلا داشته باشم بیشتر راضی می‌شوم، آنگاه ابوسعید خدری به او گفت: آیا به سوی او نمی‌روی؟ گفت: بله. پس وعده گذاشتند و نزد او رفتند ابوسعید اجازه خواست، او اجازه داد و ما وارد شدیم و ابن عمرو اجازه خواست و همچنان اجازه می‌خواست تا این که حسین اجازه ورود داد و او وارد شد. ابوسعید که در کنار حسین نشسته بود تکانی خورد تا جا را برای ابن عمر و خالی کند و حسین او را به سوی خود کشاند، ابن عمرو ایستاد و نشست، وقتی حسین دید که چنین است ابی سعید را گذاشت و ابوسعید آن طرف‌تر رفت و جا برای ابن عمرو خالی کرد و ابن عمرو در میان آن دو نشست، آنگاه

ابوسعید داستان را تعریف کرد، حسین گفت: آیا چنین است ای ابن عمرو؟ آیا تو می‌دانی که من محبوب‌ترین اهل زمین به پیشگاه اهل آسمان هستم؟ گفت: بله، سوگند به پروردگار کعبه که تو از همه اهل زمین نزد اهل آسمان پسندیده‌تری، گفت: پس چرا روز صفین با من و پدرم جنگیدی؟ سوگند به خدا که پدرم از من بهتر بود. گفت: بله، ولی عمرو از من به پیامبر شکایت برد و گفت: عبدالله روز روزه می‌گیرد و شب را با نماز سپری می‌کند، آنگاه پیامبر فرمود: نماز بخوان و بخواب روزه بگیر و افطار کن، و از عمرو پیروی کن. روز صفین سوگند خورد، سوگند به خدا سیاهی لشکر آنان را بیشتر نکردم و شمشیری نکشیدم و تیر و نیزه‌ای نزده‌ام.

آنگاه حسین به او گفت: آیا نمی‌دانی که در جایی که معصیت خدا باشد نباید از مخلوق اطاعت کرد؟ گفت: بله. گفت: گویا از او پذیرفته است^(۱).

تمجید معاویه رضی الله عنه از علی و سائر اهل بیت علیهم السلام

هم اینک در بعضی از نصوص مشاهده خواهید کرد که معاویه رضی الله عنه را می‌ستاید، چنانکه در الاستیعاب ابن عبدالبر آمده است:

۱- مجمع الزوائد ۹ / ۲۹۹ (۵۱۰۹). هیثمی گفته است: «طبرانی آن را در الأوسط روایت کرده است، در اسناد این حدیث علی بن سعید بن بشیر وجود دارد که لین دارد و ایشان حافظ هستند. و اما بقیه راویان این حدیث مورد اعتماد هستند». همچنین در مجمع الزوائد ۹ / ۲۸۱ گفته است که بزار این حدیث را از حسن بن علی روایت کرده است، و همه راویان این سند قابل اعتماد هستند بجز هاشم بن برید.

معاویه رضی الله عنه هر وقت با مساله یا مشکلی مواجه میشد به علی بن ابی طالب نامه می نوشت و از او می پرسید. وقتی که خبر قتل علی بن ابی طالب به او رسید، گفت: «همانا فقه و علم با مرگ علی بن ابی طالب از دنیا رفت»^(۱).

و امام احمد از معاویه رضی الله عنه روایت می کند که گفت: «پیامبر را دیدم که زبان یا لب حسین را می مکید و زبان و لبی که پیامبر آن را مکیده عذاب نخواهند شد»^(۲).

و از اصبع بن نباته روایت است که گفت: حزار بن ضمیره نهشلی نزد معاویه بن ابی سفیان آمد و به او گفت: علی را برایم توصیف کن! او گفت: مرا ببخش؟ گفت: نه او را توصیف کن، ضرار گفت: رحمت خدا بر علی باد! سوگند به خدا او در میان ما مانند یکی از ما بود و وقتی نزد او می آمدیم ما را به خود نزدیک می کرد و هیچ مانعی از رسیدن به او نداشتیم و ما سوگند به خدا با این که او به ما نزدیک بود از هیبت و عظمت با او حرف نمی زدیم؟ و به خاطر عظمت و هیبتش قبل از او لب به سخن نمی گشودیم، هرگاه او تبسم می کرد؛ لبخندش چون مروارید به هم پیوسته بود. معاویه گفت: بیشتر از او بگو. ضرار گفت: رحمت خدا بر علی باد، خیلی بیدار بود و کم می خوابید، شب و روز قرآن می خواند.

می گوید: آنگاه معاویه گریه کرد و گفت: کافی است ای ضرار! سوگند به خدا که علی چنین بود، رحمت خدا بر ابالحسن باد^(۱).

۱- الاستیعاب ۱۸۷۱.

۲- مسند امام احمد ۱۶۸۹۴. وارناووط اسناد آنرا صحیح گفته است.

ابن کثیر در البدایه والنهایه از عکرمه روایت می‌کند که گفت: وقتی ابن عباس رضی الله عنهما وفات یافت از معاویه شنیدم که می‌گفت: سوگند به خدا که فقیه‌ترین شخص وفات یافت ^(۲).

و در سیر أعلام النبلاء ذهبی آمده است که یزید بن معاویه به حسن به علی فخرفروشی کرد، پدر یزید به او گفت: آیا خود را بالاتر از حسن شمرده‌ای؟ گفت: بله، شاید گمان می‌کنی که مادرش مانند مادر توس و جدش مانند جد توس ^(۳).

و همچنین از ابن ابی شیبیه روایت است که حسن نزد معاویه رفت، معاویه گفت: جایزه‌ای به تو می‌دهم که به هیچکسی نداده‌ام، و چهار صد هزار به حسن داد و او قبول کرد ^(۴).

و ابن عساکر در تاریخ دمشق روایت می‌کند که عبدالملک بن مروان گفت: از پدرم شنیدم که می‌گفت: از معاویه شنیدم که می‌گفت: بنی هاشم دو مرد هستند، پیامبر صلی الله علیه و آله که دارای همه خوبی‌هایی است که گفته می‌شود، و عبدالله بن جعفر رضی الله عنه که دارای هر افتخار و شرافتی است، سوگند به خدا او از همگان در به دست آوردن هر افتخاری گوی سبقت را بوده است، و او سر نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله سر چشمه گرفته است.

۱- بحار الأنوار ۴۱ / ۱۴ و امالی الصدوق [۶۶۴].

۲- البدایة والنهایة [۳۰۱ / ۸].

۳- سیر أعلام النبلاء ۳ / ۲۶۰.

۴- سیر أعلام النبلاء ۳ / ۲۶۹.

سوگند به خدا گویا افتخار و شرافت در جایی است که هیچکسی به آن دسترسی ندارد، اما عبدالله در وسط آن قرار دارد^(۱).

خاتمه

بعد از بررسی این نصوص خجسته به وضوح روشن است که چقدر صحابه و اهل بیت روابطی محکم و صمیمانه داشته اند، و چقدر یکدیگر را برای رضای خدا و رعایت خویشاوندی پیامبر ﷺ دوست و گرامی می‌داشتند.

هرکس که دین و ایمانش را دوست دارد، باید بداند که محبت اهل بیت و صحابه فرض و واجب است، و توهین به آنان انحراف از شیوه و راه آنان است و انسان با توهین به آن بزرگان در حقیقت خود را در معرض عذاب الهی قرار می‌دهد. آنچه گفته شد پندی است برای آنانی که از عذاب می‌هراسند و به پاداش الهی امید بسته اند و می‌دانند که بازگشت به سوی خداست.

بار خدایا! محبت و اطاعت از صحابه و اهل بیت را از تو می‌جوئیم و ما را با آنان محشور بگردان آمین.